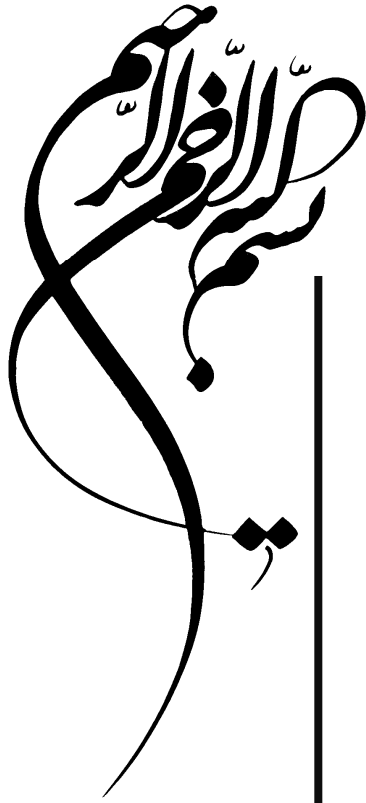


راهنمای کارگاه علمی - کاربردی

# مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی



معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه



اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز  
می شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود  
را فرو می فرستد و زمین برکت خویش را بیرون  
می ریزد.

امام صادق (علیه السلام)



## دبیاچه

در دهه‌های اخیر، سیاست جنایی کشورهای مختلف، عرصه تقابل میان دیدگاه‌های قدیمی سزاگرایانه و رویکردهای بازپرورانه بوده است. سزاگرایی در واقع، «عبرت‌آموزی و بازدارندگی حاصل از مجازات» است و بازپروری، «تلاش برای اصلاح مجرمان و بازگرداندن آنان به جامعه». نقطه اشتراک این دو دیدگاه، مداخله آنها پس از ارتکاب جرم بود. بااین‌حال، ظهور دیدگاه سومی به نام «پیشگیری»، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام عدالت کیفری را کاملاً متحول کرد. نقطه تمایز اصلی این دیدگاه نسبت به دیدگاه‌های قدیمی، قدم گذاشتن به مراحل پیش از ارتکاب جرم است. به‌این‌ترتیب، برنامه‌ریزی برای کنترل جرم، پیش از وقوع جرم صورت می‌گیرد و نقطه تمرکز پلیس و دستگاه قضایی به «پیش‌بینی امکان ارتکاب جرم در آینده و تلاش برای مهار آن» معطوف می‌شود. این دیدگاه نوین، طی ۳ دهه اخیر در بسیاری کشورها به اجرا گذاشته شده و اثربخشی نتایج آن موجب گسترش آن در سیاست‌های کیفری جوامع پیشرفته جهان شده است.



در واقع یکی از تفاوت‌های عمده تدابیر پیشگیرانه با برنامه‌های سزاگرایانه و بازپرورانه، اختلاف در یافته‌های حاصل از مطالعه اثربخشی این برنامه‌ها است. همچنین مطالعه هزینه‌های مادی و معنوی وقوع جرم نشان داد، هزینه برنامه‌های موثر پیشگیرانه بسیار کمتر از زبانی است که جرم به لحاظ مادی به جامعه وارد می‌سازد؛ که البته باید به این هزینه‌ها، هزینه‌های معنوی جرم را نیز اضافه کرد. به همین دلیل است که امروزه سیاست‌های پیشگیرانه، گذشته از ویژگی‌های کنترلی و بازدارنده، به لحاظ اقتصادی نیز قابل توجیه‌تر به نظر می‌رسند؛ به‌خصوص آنکه مکانیزم‌های ارزیابی به‌طور فعال در دل این سیاست‌ها و برنامه‌ها گنجانده شده‌اند و به‌این‌ترتیب برنامه‌هایی که از کارایی یا اثربخشی لازم برخوردار نباشند بلافاصله کنار گذاشته می‌شوند. بنابراین، بودجه محدود نظام عدالت کیفری تنها به اقداماتی اختصاص پیدا می‌کند که ارزیابی‌های علمی و مدرک‌محور، اثربخشی آنها را تأیید می‌کنند.

خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با قراردادادن وظیفه پیشگیری از جرم بر عهده قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ این قانون، نشان دادند که به‌خوبی از اهمیت این رویکرد نوین جرم‌شناختی آگاهی داشته و به جای یک نظام حقوقی منفعل، خواهان یک نظام عدالت کیفری پیشرو و فعال هستند. با این حال، نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که در طول سال‌های گذشته، تنها گام‌های اندکی جهت نهادسازی و بسترسازی پیشگیری در دستگاه قضا، پلیس و نیز جامعه برداشته شده است. شاید «تشکیل پلیس پیشگیری» و سپس «معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه» را بتوان مهمترین اقدامات نهادی صورت گرفته در این خصوص معرفی کرد. گذشته از مشکلات ساختاری در کشور ما، نبود آموزش نیز مانعی جدی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های پیشگیری از وقوع و تکرار جرم است.



بی‌تردید، «آموزش» از مؤلفه‌های اساسی و تأثیرگذار در کارآمدسازی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری در جامعه است. این آموزش دو گروه مختلف را در برمی‌گیرد؛ از یک سو مقامات رسمی، قضات، ضابطین و در یک کلام نیروهای نظام عدالت کیفری و از سوی دیگر، شامل آموزش عمومی و همگانی می‌شود. نبود آموزش در سطح اول، پیشگیری را تبدیل به یک عنصر نمادین و فاقد کاربرد می‌سازد و در سطح دوم، یعنی عموم مردم، منجر به کاهش مشارکت عمومی و در نتیجه افزایش هزینه پیشگیری و کاهش کارایی آن می‌شود.

همانگونه که لایحه در حال تصویب «پیشگیری از وقوع جرم» نیز مشعر بر آن است، پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی جز با مشارکت فعال تمام قوای کشور امکان‌پذیر نیست. در این راستا معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در یک برنامه ملی، با مشارکت تمام مسئولین ذی‌ربط، با هدف آموزش و تمرین کار دسته‌جمعی برای پیشگیری، اقدام به برگزاری کارگاه علمی - کاربردی مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی نمود و با تقسیم‌بندی کشور به هفت منطقه و با میزبانی مشهد، تبریز، کرمانشاه، اصفهان، اهواز، شیراز و تهران تمام استان‌های کشور در این کارگاه مشارکت یافتند.

کتاب حاضر راهنمای اجرای این کارگاه‌هاست که مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی را طی یک الگوی بومی (اسلامی - ایرانی) در پنج گام به‌هم‌پیوسته ارائه می‌دهد.

در واقع، شوراهای پیشگیری از وقوع جرم در قالب کارخواسته‌های شماره ۱ تا ۵ در کارگاه‌های مذکور، به تمرین و آموزش پنج گام فرآیند مدیریت می‌پردازند و به یاری خداوند این اقدام، زمینه‌ساز اقدامات عملی و اثربخش در پیشگیری از جرم خواهد بود و بی‌گمان به ارتقاء سطح سلامت و تعالی اجتماعی جامعه و کشور عزیزمان منجر خواهد شد.



ایده اولیه برگزاری این کارگاه‌ها از سوی برادر عزیز و فرهیخته‌ام، جناب آقای دکتر محمد نسل، ارائه شد و نسخه نخستین این کتاب توسط ایشان آماده گردید، اما این طرح در عمل و طی پنج کارگاهی که تاکنون برگزار شده است، تکوین یافت و به کمال رسید و اینک نسخه نهایی و نسبتاً جامع آن برای بهره‌برداری شوراهای پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی در استان‌ها و شهرستان‌ها و نیز دستگاه‌ها و مراجعی که با مقوله پیشگیری سر و کار دارند تقدیم می‌شود که امید است مورد استفاده واقع شود.

در پایان شایسته است علاوه بر مسئولین و مدیران نهادهای مختلف کشوری، لشکری و قضایی که حضوری فعال در این کارگاه‌ها داشته‌اند، از مدیران و کارشناسان معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه به‌ویژه آقایان عباس علوی‌نژاد، اسدالله جامی، مهدی جعفری، یدالله عسگری، دکتر احمد رفیعی، حجت الاسلام والمسلمین سید احمد زرگر، سید محسن صادقی و ابوالقاسم خدادادی که در برگزاری کارگاه‌ها و تنظیم و تکمیل این کتاب تلاش نموده‌اند و نیز آقای محمد هادی توکل‌پور که در تکمیل مطالب، بازخوانی و ویرایش کتاب زحمات زیادی متقبل شدند، کمال تقدیر و تشکر به عمل آید.

و من ... التوفیق

محمد باقر ذوالقدر

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع

جرم قوه قضائیه



## فصل مقدماتی

### مرور مفاهیم، مبانی نظری و ادبیات پیشگیری

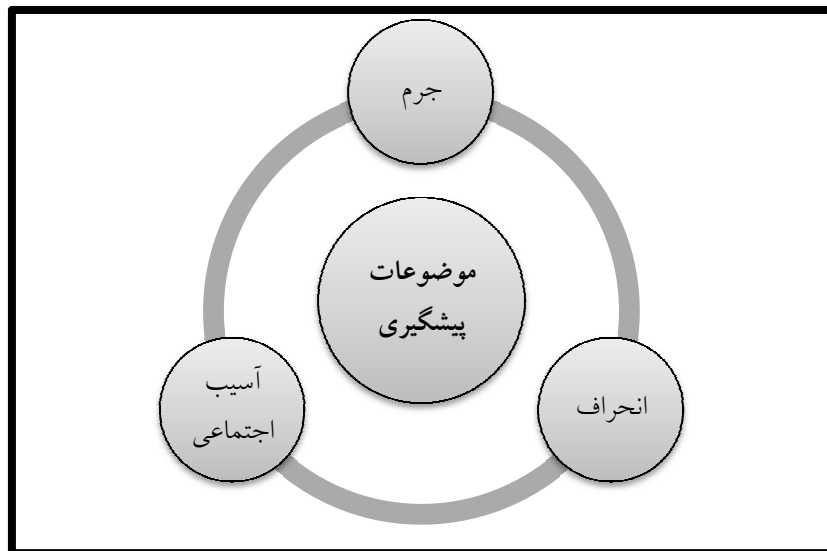
#### مقدمه

کجروی اصطلاحی است که در مورد رفتارهای خلاف هنجار به کار برده می‌شود. همان‌گونه که می‌دانیم، هنجارها منشاءهای مختلفی دارند. برخی از هنجارها ریشه در عرف و عادت دارند؛ برخی دیگر مبتنی بر توافق اجتماعی هستند و نوع قوی‌تری از هنجارها نیز از دین، اعتقادات و اخلاق سرچشمه می‌گیرند.

هنجارشکنی را می‌توان بر اساس نتیجه آن به جرم یا انحراف دسته‌بندی کرد. جرم نقض مهم‌ترین ارزش‌ها، خطوط قرمز و هنجارهای رسمی جامعه است و جامعه به آن پاسخ کیفری می‌دهد. هر جرم با جرم‌انگاری متولد می‌شود و با جرم‌زدایی به حیاتش خاتمه داده می‌شود. اما انحراف، شکستن هنجارهای کم‌اهمیت‌تر و عرفی جامعه است و جامعه آستانه تحمل بالاتری در موارد نقض آنها دارد ولی از آنجا که امکان تبدیل رفتار انحرافی به جرم بسیار زیاد است، جوامع تلاش دارند تا با پاسخ به انحراف و کنترل و اصلاح آن، خطر تبدیل منحرفان به مجرمان را به حداقل ممکن برسانند.



علاوه بر جرم و انحراف، نوع دیگری از مسئله اجتماعی وجود دارد که می‌تواند تحت‌عنوان کلی آسیب اجتماعی نام‌گذاری شود و آن پدیده‌ای اجتماعی است که برای اکثریت افراد جامعه به عنوان یک مسئله زیان‌بار مورد توجه قرار می‌گیرد. مسائلی مانند بیکاری، تورم، اعتیاد یا طلاق از مصادیق آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند. آسیب‌های اجتماعی از این نظر در حوزه پیشگیری قرار می‌گیرند که بستر مناسبی را برای ظهور و گسترش جرم و انحراف فراهم می‌کنند و از سوی دیگر جرم و انحراف نیز خود از آسیب‌های اجتماعی مهم محسوب می‌شوند.



در دین مبین اسلام نیز هنجارهایی وضع شده است که رفتارهای ناقض این هنجارها، گناه محسوب می‌شوند. گناه در شریعت اسلام با واژگانی چون اثم، ذنب، سیئه، معصیت، فسق، فساد، منکر، حرام، جرم و مواردی دیگر مورد اشاره قرار گرفته است. در صورتی که این رفتارها توسط شارع، علاوه بر عقوبت اخروی دارای ضمانت اجرای دنیوی نیز باشد، این رفتارها





جرم خواهند بود. موارد دیگر گناه که ضمانت اجرای دنیوی ندارند، به نوعی انحراف و کجروی محسوب می‌شوند که دارای عقوبت اخروی هستند. جامعه ممکن است در برابر جرم و انحراف مواضع مختلفی را اتخاذ کند. این مواضع می‌تواند با تأیید و هم‌نوایی آغاز و سپس به صف‌آرایی در برابر جرم و انحراف به شکل‌های تأخیری (واکنش و عکس‌العمل) و یا پیش‌دستانه (پیش‌کنش و پیشگیری) بروز پیدا کند.

در ادامه، مبانی نظری پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی و فرایند مدیریت آن و نیز شوراهای پیشگیری از جرم مورد اشاره قرار خواهند گرفت و در پایان این فصل، کارگاه مدیریت پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی به طور خلاصه تبیین خواهد شد.





## مبحث اول - پیشگیری از جرم

### گفتار اول - معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی پیشگیری

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، از چیزی خبر دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی با کاربرد فنون و تدابیر مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی آن شتافتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.

در مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم وسیعی برای پیشگیری قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به‌کار می‌برند. هر یک از این دو را به‌طور مختصر توضیح می‌دهیم:

مطابق مفهوم موسع؛ انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی‌علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز، پیشگیری به‌شمار می‌آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را دربرمی‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۷۳۷).

اما در مفهوم مضیق؛ پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن



عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد (همان: ۷۴۰) به عبارتی دیگر، در این رویکرد، پیشگیری از کیفر جدا شده است و صرفاً ناظر به تدابیر و اقدامات غیرقهرآمیز است.

### تعریف پیشگیری

تعاریف متعددی از پیشگیری ارائه شده است. در ماده یک لایحه پیشگیری از جرم (که در حال حاضر مراحل پایانی تصویب را می‌گذراند) نیز، پیشگیری از وقوع جرم عبارت از "پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن" تعریف شده است.

در تعریفی که توسط مرکز پیشگیری از جرم در استافورد<sup>۱</sup> انگلستان ارائه شده، پیشگیری از جرم به نحو زیر تعریف شده است:

"پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آن است." (Crowe, 1991: 3)

واحد پیشگیری از جرم دادگستری استرالیا نیز پیشگیری از جرم را به‌عنوان "کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم از طریق مداخله در علل آن" تعریف کرده است. تعریف پیشگیری از جرم از نظر اکبلوم عبارت است از: "کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم و بی‌نظمی از طریق مداخله در علل آن." (Ekblom, 2000)

---

1. Stafford



## گفتار دوم - انواع پیشگیری

جرم شناسان دسته‌بندی‌های متعددی را از پیشگیری از جرم ارائه داده‌اند. در این قسمت از بحث، به سه تقسیم‌بندی اشاره می‌کنیم. تقسیم‌بندی اول بر اساس تقدم و تأخر ظهور انواع پیشگیری و تقسیم‌بندی دوم بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه است. تقسیم‌بندی سوم که نسخه‌ای بومی شده و منطبق با ساختار پیشگیری از جرم در قوه قضائیه کشورمان است نیز برای نخستین بار در این کتاب ارائه می‌شود.

### الف - پیشگیری بر اساس تقدم و تأخر ظهور

جرم شناسان انواع پیشگیری را از حیث تاریخ ظهور آنها به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند؛ دسته اول «پیشگیری سنتی یا متداول» و دسته دوم «پیشگیری جدید» نامیده می‌شود.

#### ۱. پیشگیری‌های متداول

این نوع از پیشگیری خود به چهار دسته‌بندی فرعی قابل تقسیم است. «پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی»، «پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی»، «پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال» و بالاخره «پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالث»، عناوین این دسته‌های فرعی را تشکیل می‌دهند.

### پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی

قدیمی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. در این تقسیم‌بندی، سیاست پیشگیری افتراقی میان اطفال و نوجوانان بزهکار و بزهکاران بزرگسال اعمال می‌شود. بدین معنی که



چون شخصیت کودکان و نوجوانان در حال شکل‌گیری و تثبیت است، در مورد آنان از تدابیر پیشگیرانه پرورشی و اصلاحی استفاده می‌شود، درحالی‌که در مورد بزرگسالان، تدابیر پیشگیرانه تنبیهی و اربابی اعمال می‌شود. امروزه نیز این طرز تفکر وجود دارد و در بیشتر کشورها سعی می‌کنند که سرمایه‌گذاری در امر پیشگیری را بیشتر به اطفال و نوجوانان بزهکار یا در معرض خطر بزهکاری اختصاص دهند که انعطاف بیشتری دارند و از بزهکاران بزرگسال قابل اصلاح‌تر هستند (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ۱۳۸۲: ۲۲).

### پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

در پیشگیری عمومی، کلیه عوامل جرم‌زای مربوط به جرائم مختلف، هدف تدابیر پیشگیرانه قرار می‌گیرند؛ مانند «افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه اجتماعی» که در پیشگیری از طیف وسیعی از جرائم تأثیرگذار است. درحالی‌که در پیشگیری اختصاصی، عوامل خطر مربوط به جرم خاص در دایره شمول اقدامات پیشگیرانه واقع می‌شود، مانند تقویت قفل و بست منازل که در پیشگیری و کاهش جرم سرقت از منازل مؤثر است؛ یا نصب دزدگیر روی خودروها که از راهکارهای پیشگیری از سرقت خودرو محسوب می‌شود.

### پیشگیری انفعالی<sup>۱</sup> و پیشگیری فعال<sup>۲</sup>

این تقسیم‌بندی برای نخستین بار در اجلاس مجمع عمومی اینترنتل در سال ۱۹۶۳ مطرح و وارد ادبیات پیشگیری شد. پیشگیری انفعالی مجموعه اقدامات و تدابیری را در برمی‌گیرد که بیشتر جنبه دفاعی و پدافندی در برابر بزهکاری دارند. در این نوع از پیشگیری ابتکار عمل در دست بزهکاران است و کیفیت و

- 
1. Re-active Prevention
  2. Active Prevention



نوع اقدامات پیشگیرانه بستگی به اقدام بزهکاران دارد. مانند اخطارهای مربوط به جرم که معمولاً به صورت هشدارهای پلیسی به آماج بالقوه جرم داده می‌شود تا بتوانند در صورت قرار گرفتن در معرض حمله مجرمانه، از جرم پیشگیری کرده یا اثرات آن را کاهش دهند.

برعکس، در پیشگیری فعال، مراجع پیشگیری ابتکار عمل را در دست داشته و به نحوی کاملاً فعالانه به پیشگیری از جرم می‌پردازند. در اینجا به ذکر دو نمونه، شامل برنامه‌ریزی در جهت غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری و یا تشکیل مشارکت‌های فعال در زمینه پیشگیری از جرم در سطح محله‌ها، بسنده می‌نماییم. شاید بتوان گفت که پیشگیری انفعالی نوعاً بزه‌دیده‌مدار است و پیشگیری فعال بزهکارمدار (نجفی ابرنآبادی : ۷۴۹-۷۴۸).

### پیشگیری اولیه<sup>۱</sup>، پیشگیری ثانویه<sup>۲</sup> و پیشگیری ثالث<sup>۳</sup>

این تقسیم‌بندی، از علم پزشکی وارد جرم‌شناسی شده است. در علم پزشکی پیشگیری از بیماری‌ها به سه سطح تقسیم می‌شود؛ سطح اول اختصاص به تمامی افراد جامعه دارد، سطح دوم به افراد در معرض خطر بیماری اختصاص دارد و سطح سوم به واگیری مجدد بیماران درمان شده و مصون‌سازی آنها در مقابل ابتلای مجدد، مربوط می‌شود.

بر همین اساس، هدف پیشگیری اولیه، کل جامعه است. این نوع از پیشگیری تلاش دارد تا کل جامعه را در مقابل خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی تقویت کند. اقدامات مربوط به اصلاح شرایط محیط اجتماعی و محیط فیزیکی از اصلی‌ترین تدابیر پیشگیری اولیه به‌شمار می‌روند.

1. Primary Prevention
2. Second Prevention
3. Third Prevention



پیشگیری ثانویه، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که در مورد بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه یعنی کسانی اعمال می‌شود که وضعیت خاص آنان، آنها را بیشتر از سایرین در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار می‌دهد؛ مانند تدابیر پیشگیرانه مربوط به کودکان مدرسه‌گریز یا افزایش سطح بهره‌مندی اقشار محروم و آسیب‌پذیر. در این نوع از پیشگیری شناخت عوامل خطر سازِ جرم<sup>۱</sup> اهمیت فراوانی دارد.

اما پیشگیری ثالث به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که برای جلوگیری از تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی در مورد بزهکاران یا بزه‌دیدگان سابق اعمال می‌شود. تدابیر پیشگیرانه مربوط به بازتوانی بزهکاران یا اشتغال و ساماندهی آنان در جامعه و همچنین اقدامات پیشگیرانه مربوط به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی در جرم سرقت یا خشونت‌های خانوادگی، از نمونه‌های قابل ذکر در این مقوله می‌باشند (Ekblom, 9-8: 2001).

## ۲. پیشگیری‌های جدید

این دسته از پیشگیری‌ها (همچنان که از نام آنها پیداست)، در دو-سه دهه اخیر وارد ادبیات جرم‌شناسی شده است. البته این سخن به آن معنی نیست که قبلاً چنین تدابیر و سیاست‌هایی وجود نداشته است، بلکه این تدابیر پراکنده بوده و تحت چنین عنوانی دسته‌بندی نشده بوده‌اند. پیشگیری‌های جدید، دو دسته‌بندی را شامل می‌شوند؛ دسته اول «پیشگیری اجتماعی و وضعی» و دسته دوم «پیشگیری دفاعی و پیشگیری آزادی‌بخش» می‌باشد. به دلیل محدودیت فرصت در اینجا به تشریح نوع اول بسنده می‌کنیم.

### پیشگیری اجتماعی<sup>۲</sup> و پیشگیری وضعی<sup>۳</sup>

1. Risk Factors
2. Social Crime Prevention
3. Situational Crime Prevention



این دسته‌بندی در حال حاضر رایج‌ترین دسته‌بندی از اقدامات پیشگیرانه به شمار می‌رود. پیشگیری اجتماعی سعی دارد که علل و عوامل اجتماعی خطرزای بزهکاری و بزه‌دیدگی را مورد هدف‌گیری قرار دهد. این قسم از پیشگیری تلاش دارد که از تولید بزهکار یا بزه‌دیده جلوگیری کند. البته در اکثر متون غربی از این نوع پیشگیری با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی» نام برده شده است، اما محدود نمودن پیشگیری اجتماعی به پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی صحیح نیست، زیرا توسعه اجتماعی تنها بخشی از راهبردهای پیشگیری اجتماعی است و نامیدن این دسته از پیشگیری با این نام، جامعیت لازم را از آن سلب می‌کند. پیشگیری اجتماعی در واقع اقدامات مداخله‌ای در محیط عمومی، شخصی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۷۵۰).

اما پیشگیری وضعی با در نظر گرفتن این واقعیت توسعه پیدا کرده است که علی‌رغم به‌کار بستن تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی، باز هم شاهد بزهکاری و بزه‌دیدگی هستیم و عملاً حذف بزهکاری غیرممکن است. پیشگیری وضعی با در نظر گرفتن وضعیت -بلافاصله- پیش از بزهکاری، در صدد تغییر وضعیت متصل به جرم و تبدیل معادله جرم به ضرر مجرم است. در صفحات بعد در خصوص پیشگیری اجتماعی و وضعی، مفصل‌تر سخن گفته خواهد شد.

#### ب- تقسیم‌بندی بر اساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه

دومین تقسیم‌بندی ارائه شده در زمینه پیشگیری از جرم، بر اساس ماهیت تدابیر پیشگیرانه شکل گرفته است. بر این اساس تدابیر پیشگیرانه را به «پیشگیری تنبیهی»، «پیشگیری اصلاحی»، «پیشگیری مکانیکی» و «پیشگیری علی» تقسیم می‌کنند.



### ۱. پیشگیری تنبیهی<sup>۱</sup>

بدون تردید، تهدید به مجازات، با تداعی احتمال مجازات، افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. البته نظرات متفاوتی در مورد «رویکرد تنبیه» که در طول قرن‌ها مورد استفاده بوده، ابراز شده است. در حالی که برخی از جرم‌شناسان استدلال می‌کنند که رویکرد تنبیهی ارزشی ندارد، گروهی دیگر معتقدند که تهدید به مجازات و القای این واقعیت که تهدید به مجازات عملی هم خواهد شد، هنوز یک عامل اصلی بازدارنده از جرم به‌شمار می‌رود. کانون پیشگیری تنبیهی را، می‌توان پیشگیری از جرم از طریق سیستم عدالت کیفری نامید؛ هرچند که این پیشگیری ممکن است علاوه بر سیستم عدالت کیفری، از سایر نهادهای انتظامی، اداری و مدنی نیز بهره‌مند شود.

### ۲. پیشگیری اصلاحی<sup>۲</sup>

تأکید اصلی در این نوع از پیشگیری بر بهبود شرایط شخصی یا عمومی، به منظور کسب اطمینان از عدم تکرار بزه یا تقبیح رفتار مجرمانه توسط جامعه است. پیشگیری اصلاحی معمولاً از دو طریق صورت می‌گیرد:

الف. کار با اشخاصی که پس از ارتکاب جرم و کسب محکومیت به مؤسسات اصلاح و تربیت تحویل و یا در طیف تعلیق مراقبتی (بازتوانی) قرار گرفته‌اند.

ب. هشدار در مورد شرایط اجتماعی و محیطی که تصور می‌شود جرم در آن اوضاع رشد کند.

### ۳. پیشگیری مکانیکی<sup>۳</sup>

- 
1. Punitive Crime Prevention
  2. Corrective Crime Prevention
  3. Mechanical Crime Prevention



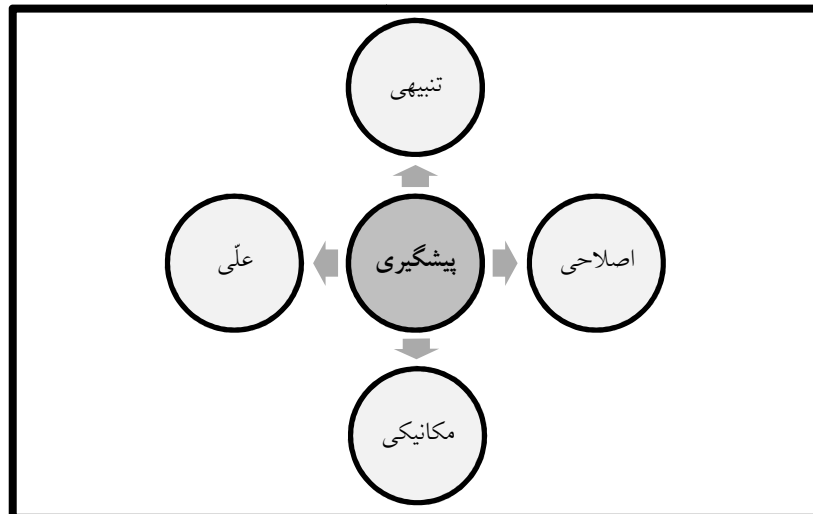
سیاست اصلی این پیشگیری قرار دادن موانع مختلف در مسیر گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه (توسط بزهدار احتمالی) است، تا به این طریق ارتکاب جرم را دشوار سازد. پیشگیری مکانیکی از جرم، جدیدترین دسته از پیشگیری از جرم است که در برخی از کشورها بر آن تأکید شده است. البته به نظر بسیاری از مردم، فرآیند مکانیکی افزایش امنیت از طریق قفل و بست، زنگ‌های اعلام سرقت و سایر تجهیزات، زیاد از حد ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد. عامه مردم هنوز این ضرب‌المثل قدیمی را تأیید می‌کنند که، «اگر دزد بخواهد وارد خانه‌ای شود، به هر نحو وارد خواهد شد». می‌توانیم آن بخش از پیشگیری مکانیکی را که با سخت‌افزارهای امنیت سروکار دارد، با عنوان «سخت کردن هدف»<sup>۱</sup> یاد کنیم.

#### ۴. پیشگیری علی<sup>۲</sup>

این نوع از پیشگیری، که به آن پیشگیری علت‌مدار نیز گفته می‌شود، علل و عوامل خطرزای جرم را مورد هدف قرار می‌دهد. در وهله اول شاید بتوان این پیشگیری را با پیشگیری اجتماعی منطبق دانست لیکن با دقت بیشتر روشن می‌شود که این نوع پیشگیری بسیار جامع‌تر از پیشگیری اجتماعی است و مقابله با کلیه علل فردی و اجتماعی جرم را شامل می‌شود (McNeill and Melvin, 2007: 8-9).

- 
1. Target Hardening
  2. Causal Crime Prevention

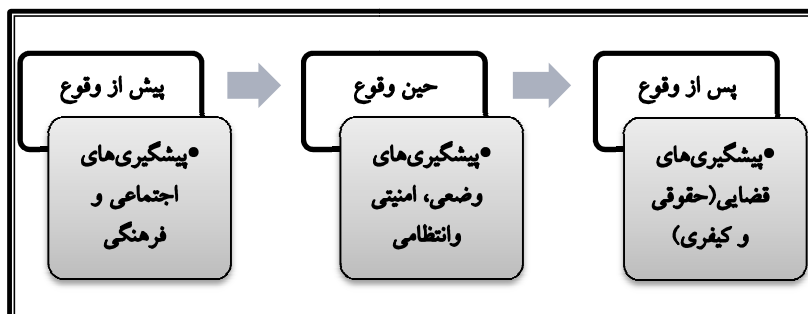
شکل شماره (۱): انواع پیشگیری بر اساس ماهیت تدابیر پیشگیرانه



### ج- تقسیم‌بندی بر اساس فرآیند وقوع جرم

نوع سوم دسته‌بندی مبتنی بر فرایند مرحله‌ای وقوع جرم است. دسته نخست پیشگیری‌ها به علل و عوامل اولیه ارتکاب جرم اختصاص دارد و عمدتاً ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارد. قسم دوم آن مربوط به مرحله ماقبل ارتکاب جرم است و ماهیت وضعی، امنیتی و انتظامی دارد. قسم سوم نیز اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ای است که پس از ارتکاب جرم با هدف پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمان و تنبه جامعه صورت می‌گیرد و عمدتاً ماهیت قضایی (حقوقی و کیفری) دارد. این دسته‌بندی عملیاتی‌تر و کاربردی‌تر است و بهتر می‌تواند مرزهای اقدامات پیشگیرانه را مشخص نماید. در مورد این قسم از پیشگیری در فصل‌های بعد به تفصیل سخن خواهیم گفت.

شکل شماره (۲): انواع پیشگیری بر اساس فرآیند وقوع جرم







## مبحث دوم - کنشگران پیشگیری از جرم

در نگاهی سطحی به پدیده‌های مجرمانه نوعاً بزه‌کار و بزه‌دیده، بازیگران عرصه جرم پنداشته می‌شوند و تصور بر آن است که این دو عنصر، تنها عوامل انسانی دخیل در وقوع جرم هستند؛ اما واقعیت چیز دیگری است. افراد زیادی در عرصه شکل‌گیری و وقوع جرم وجود دارند که در برخی موارد نقش آنها کاملاً آشکار است (مانند معاونین و شرکای جرم در مفهوم حقوقی آن) و در بعضی از موارد نیز نقش پنهان و پشت پرده دارند. چه بسا گروه اخیر نقش جدی‌تری در تکوین جرم ایفا کنند، اما به دلیل ناشناخته بودن و عدم صدق عناوین جزایی در مورد آنان، در اغلب موارد از مجازات مصون می‌مانند.

در مورد پیشگیری از جرم نیز به همین صورت است. اغلب عادت بر آن است که بزه‌دیده و پلیس به عنوان اصلی‌ترین کنشگران عرصه پیشگیری از بزه‌کاری به حساب آیند. هرچند نمی‌توان منکر نقش بارز این دو عنصر در پیشگیری از بزه‌کاری بود، اما مطالعات و تجربیات مختلف نشان می‌دهد که پیشگیری اثربخش از جرم، مستلزم مشارکت و همکاری اشخاص و نهادهای مختلفی است که شاید در این عرصه مورد توجه نبوده و قابلیت و استحقاق آن را داشته باشند که نقش بسیار فعال‌تری در پیشگیری از جرم ایفا کنند.

بر اساس نظریه پیوستگی فرصت مجرمانه،<sup>۱</sup> بزه‌کاری محصول تأثیر علل مختلفی است که جمع شدن آنها در کنار یکدیگر، موجب وقوع جرم می‌شود. علل جرم را از حیث نحوه تأثیر به «علل نزدیک» و «علل دور» تقسیم می‌کنند. علل نزدیک مستقیماً در تحقق جرم نقش دارند، اما علل دور رابطه مستقیم با ارتکاب جرم ندارند و تأثیرشان از طریق اثرگذاری بر علل نزدیک صورت می‌گیرد. (مانند تأثیر قیمت لوازم یدکی بر میزان سرقت خودرو). برخی از علل

### 1. The Conjunction of Criminal Opportunity



جرم، عوامل انسانی هستند؛ یعنی اشخاصی هستند که در تکوین جرم تأثیر دارند. این افراد را می‌توان به «اشخاص طرف بزهکار»، «اشخاص طرف بزه‌دیده» و «افراد بی‌طرف» تقسیم کرد.

### گفتار اول - تیم بزهکاری

در تیم بزهکاری، علاوه بر بزهکاران بالقوه و بالفعل، با اشخاصی مواجهیم که عالماً و عامداً بر گسترش جرم و بزهکاری تلاش داشته و در واقع از ترویج جرم، منافع فردی یا گروهی نصیب‌شان می‌شود. خلاصه‌ای از وضعیت این افراد در جدول شماره یک آمده است.

جدول شماره (۱): ترکیب اعضای تیم کنش بزهکاری

| دسته اصلی       | دسته‌های فرعی            | نمونه کنشگران  |
|-----------------|--------------------------|--|
| تیم کنش بزهکاری | بزهکاران بالقوه و بالفعل | ۱. بزهکاران عادی<br>۲. بزهکاران مکرر و به عادت<br>۲. گروه‌های مستعد بزهکاری  |
|                 | حامیان بزهکاران          | - محرکین جرم<br>- تولید و ارائه‌کنندگان تسهیلات و ابزارهای ارتکاب جرم<br>- آموزش‌دهندگان مهارت‌ها و شگردهای ارتکاب جرم |
|                 | مروجین جرم               | - مافیایها و شبکه‌های جنایتکاری<br>- اداره‌کنندگان بازار بزهکاری<br>- وکلا و مشاوران و متخصصان آلوده به فساد           |





## گفتار دوم - تیم بزه‌دیدگان و محافظان

در تیم بزه‌دیدگان نیز علاوه بر بزهکاران بالقوه و بالفعل، با اشخاصی مواجهیم که درصدد حمایت از بزه‌دیدگان (قبل یا در حین یا بعد از ارتکاب بزه) هستند. افرادی مانند بستگان، گروه‌های حمایت و دفاع از بزه‌دیدگان، نیروهای پلیس و مأموران انتظامی در این دسته قرار دارند.

جدول شماره (۲): ترکیب اعضای تیم کنش بزه‌دیدگی

| دسته اصلی                     | دسته‌های فرعی              | نمونه کنشگران   |
|-------------------------------|----------------------------|---|
| تیم بزه‌دیدگی و کنش ضدبزهکاری | بزه‌دیدگان بالقوه و بالفعل | ۱. تک‌تک آحاد جامعه<br>۲. افراد در معرض خطر بزهکاری<br>۳. افراد در معرض خطر تکرار بزه‌دیدگی   |
|                               | حامیان بزه‌دیدگان بالقوه   | - نهادهای امنیتی<br>- مأموران پلیس و نگهبانان شخصی<br>- والدین و سرپرستان قانونی<br>- مربیان و آموزش‌دهندگان مهارت‌های اجتناب از خطر جرم و یا مدیریت آن<br>- شهروندان مسئول |
|                               | حامیان بزه‌دیدگان بالفعل   | - سیستم عدالت کیفری<br>- سازمان‌ها و تشکل‌های دولتی یا مردمی<br>- کمک به بزه‌دیدگان<br>- مراکز مشاوره و درمان بزه‌دیدگان<br>- گروه‌های پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی           |



### گفتار سوم - تیم خنثی

علاوه بر دو دسته فوق، دسته سوم از اشخاص هم وجود دارد که هیچ نفعی در ارتکاب جرم ندارند و قصدی نیز در کمک به گسترش جرم ندارند، ولی در مواردی به طور ناخواسته یا بر اثر احساس، هیجان و حالات روحی زودگذر، ممکن است از تیم بزهکاری حمایت کنند. این افراد را به عنوان «گروه خنثی یا بی طرف» نامگذاری می‌کنیم.

جدول شماره (۳): ترکیب کنشگران خنثی

| دسته اصلی    | دسته فرعی   | نمونه کنشگران   |
|--------------|-------------|---|
| کنشگران خنثی | سودجویان    | ۱. کارکنان و مدیران سودجوی اماکن عمومی<br>۲. افراد فرصت طلب و ظاهرالصلاح<br>۳. عقل‌گرایان محض |
|              | بی تفاوت‌ها | ۱. عابرین و رهگذران عادی<br>۲. عافیت‌طلبان<br>۳. شخصیت‌های خودشیفته                           |

عده‌ای مقام صالح برای پیشگیری را خود مردم می‌دانند. این افراد مردم را به دو گروه تقسیم می‌کنند: گروه اول کسانی هستند که در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی هستند و گروه دوم را مابقی اعضای جامعه تشکیل می‌دهند. بدیهی است که جمعیت در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی، باید در پیشگیری شرکت داده شوند، اما مشارکت آنان باید تعریف شده و سازمان‌دهی شده باشد؛ به طوری که زمینه سوءاستفاده فراهم نشود. زیرا چنانچه بر مشارکت این دسته از جمعیت و مردم در پیشگیری، مقرراتی وضع نشود، موارد سوءاستفاده رایج می‌شود. مثلاً عده‌ای به بهانه دفاع شخصی پا را از دفاع



مشروع فراتر خواهند نهاد و خود به بهانه دفاع در برابر جرم، مرتکب جرم خواهند شد.

در اینکه تیم طرفدار بزه‌دیدگان از کنشگران اصلی پیشگیری از جرم هستند تردیدی وجود ندارد و قاعدتاً این افراد از ایفای نقش در پیشگیری از بزهکاری حمایت می‌کنند، اما هنر آن است که بتوان افراد خنثی و بی‌طرف و بالاتر از آن، حتی خود بزهکاران و گروه حامی بزهکاری را نیز در زمره کنشگران پیشگیری از جرم قرار داد و آن‌ها را در پیشگیری مشارکت داد.

درخصوص گروه خنثی که ممکن است به‌طور ناخواسته و از روی ناآگاهی و تحت تأثیر حالات روحی زودگذر به ارتکاب جرم کمک کنند؛ بهترین راه برای هدایت نقش آنان به سوی پیشگیری این است که آنان را با وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به کنش ناصواب آنان شود و با آثار و نتایج عملشان آشنا کرد. مثلاً چنانچه اهالی محله‌ای که غالباً در مواجهه با صحنه‌های بزه‌دیدگی سایر هم‌محله‌ای‌ها، با بی‌تفاوتی برخورد می‌کنند، آگاه و توجیه شوند که چنین وضعیتی امنیت فردی و اجتماعی خود آنان را نیز در مخاطره قرار می‌دهد و چه‌بسا در آینده‌ای نزدیک، خود آنان نیز بزه‌دیده شوند؛ در آن صورت رغبت بیشتری به همراهی با بزه‌دیدگان در صحنه‌های واقعی از خود نشان خواهند داد.

اما درخصوص بزهکاران و حامیان بزه نیز، تبدیل نقش از تیم بزهکاری به تیم ضدبزهکاری، اقدام مهم و بااهمیتی است. می‌توان تدابیری را به‌کار برد که خود بزهکاران به‌طور خواسته یا ناخواسته و حتی به‌صورت ناخودآگاه، جزو کنشگران پیشگیری شوند. به‌عنوان مثال با تشویق فردی معتاد به ترک اعتیاد، از بسیاری از جرائم آتی بالقوه قابل ارتکاب توسط وی پیشگیری می‌کنیم. با تمرکز روی حامیان و پشتیبانان جرم نیز می‌توان آنان را مجاب و در مواردی، حتی مجبور به ایفای نقشی پیشگیرانه نمود. مانند اجبار مدیران مسافرخانه‌ها و هتل‌ها به اخذ مدارک و درج و اعلام مشخصات مهمانان و مسافران به اداره



پلیس. در این مثال الزام این قبیل مدیران، موجب محدود شدن آنان در کمک به گسترش جرم و در نتیجه کمک به پیشگیری از بزهکاری می شود.



## مبحث سوم - فرآیند مدیریت پیشگیری از جرم

در برخورد با پدیده جرم و بزهکاری دو گزینه اصلی در برابر اولیای امور قرار دارد. گزینه اول؛ رویکرد سنتی سرکوبی و مجازات است که صرفاً با اعمال شدت عمل و از طریق سیستم عدالت کیفری (شامل دادگاه، پلیس و زندان) پیگیری می‌شود. این رویکرد در تجربه طولانی بشر، ناتوانی خود را در حل اساسی مشکل جرم، نشان داده است. گزینه دوم؛ مقوله پیشگیری از جرم است. به دلیل کارایی بالای این رویکرد در دو دهه اخیر، اقبال زیادی به پیشگیری از جرم در جوامع مختلف دیده می‌شود.

به دلیل گستردگی تدابیر پیشگیرانه و نیز متولیان متعددی که در این خصوص وجود دارند، مدیریت این امر از اهمیت وافری برخوردار است. می‌توان مفهوم مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی را "پیش‌بینی و شناسایی علل و عوامل خطر وقوع جرم و به‌کارگیری و هدایت مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، نظارت و ارزیابی" دانست. مؤلفه‌های مفهوم مذکور را می‌توان بدین شکل تعریف کرد.

- برنامه‌ریزی: تعیین اهداف، برنامه‌ها و اقدامات؛
- سازمان‌دهی: تعیین نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تخصیص وظایف؛
- هماهنگی: برقراری روابط مناسب بین بخش‌های مختلف و ایجاد انسجام و یکپارچگی؛
- نظارت: کنترل و مراقبت در طی اقدامات اجرایی و اتخاذ تدابیر مناسب در رفع مشکلات احتمالی؛
- ارزیابی: تعیین میزان رسیدن به اهداف به منظور تجدیدنظر احتمالی در اقدامات با استفاده از شاخص‌های معین.



چنانچه از مفهوم مذکور نیز آشکار است، مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی در فرآیندی چند مرحله‌ای صورت می‌پذیرد. در سال‌های اخیر نسخه‌هایی از اقدامات پیشگیرانه از قبیل مدل «سارا» (SARA)<sup>۱</sup> ارائه شده‌اند. تدابیر منسجم پیشگیری متنوع‌اند و برخی از آنها بیشتر نظری و علمی و برخی دیگر جنبه عملیاتی و کاربردی دارند. در الگوهای علمی ارائه شده برای پیشگیری از جرم، کم و بیش مراحل زیر دیده می‌شود (Eklom, 2001, PP 4-5):

۱. شناسایی مسئله جرم و هدف‌گذاری؛

۲. آسیب‌شناسی علل جرم؛

۳. انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی و کاربردی؛

۴. اجرای راهکارهای پیشگیرانه؛

۵. ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه.<sup>۲</sup>

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، بر اساس مدل‌های موجود و با عنایت به نظرات کارشناسان و اساتید این حوزه، اقدام به طراحی مدلی بومی در این خصوص نموده است. در این مدل پنج مرحله‌ای ابتدا جرائم و آسیب‌های اجتماعی شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت بندی می‌شوند، سپس جرائم و آسیب‌های مهم و اولویت‌دار مورد تجزیه و تحلیل و ماهیت‌شناسی قرار می‌گیرد. در مرحله سوم، راهکارهای پیشگیرانه تعیین شده و در گام چهارم، راهکارها به اجرا گذارده می‌شوند و در نهایت نظارت، کنترل و

---

۱. مخفف کلمات (Scanning, Analysis, Response, Assessment) و به معنی

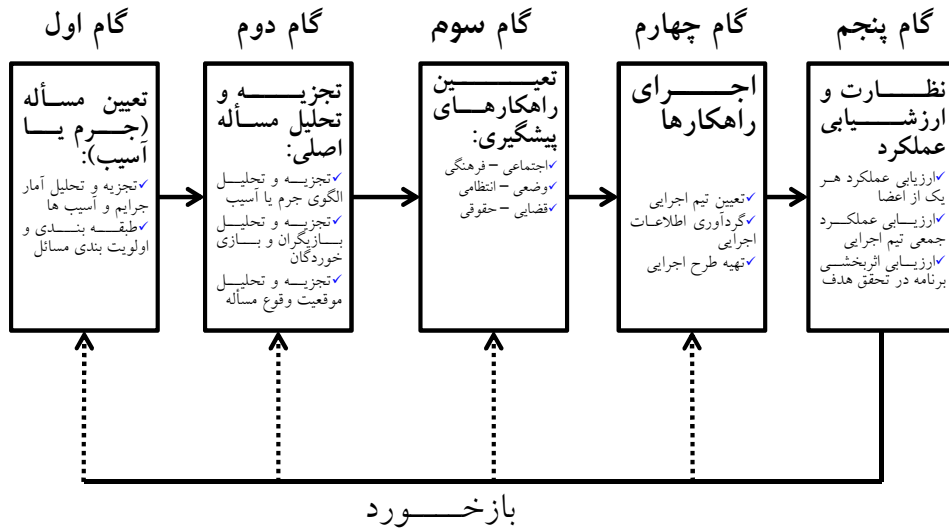
واری، تجزیه و تحلیل، پاسخ و ارزیابی است.

۲. ر.ک محمدنسل، (۱۳۸۹)، صص ۳۱۹-۳۳۲.



ارزشیابی صورت می‌گیرد. فرایند پنج مرحله‌ای مذکور در بین فصول این کتاب به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

شکل شماره (۳): فرآیند مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی  
(۵ گام مدیریت پیشگیری)









## مبحث چهارم - شوراهای پیشگیری از جرم

برای هماهنگی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، تشویق نوآوری‌های منطقه‌ای و تقویت‌ساز و کارهای محلی در این زمینه، "شوراهای استانی و شهرستانی پیشگیری از وقوع جرم"، طبق مواد ۵ و ۷ لایحه پیشگیری از وقوع جرم، تشکیل می‌شوند.

### گفتار اول - ترکیب شوراها

#### الف - شورای استانی

در حال حاضر، ترکیب اعضای شوراهای استانی پیشگیری از جرم به شرح زیر است:

۱. استاندار (ریاست شورا)
۲. رئیس کل دادگستری (نایب رئیس)
۳. دادستان شهرستان مرکز استان (دبیر شورا)
۴. رئیس شورای اسلامی استان
۵. فرمانده نیروی انتظامی استان
۶. یک نفر از نمایندگان به انتخاب مجلس به عنوان ناظر
۷. مدیرکل امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان
۸. رئیس سازمان آموزش و پرورش استان
۹. مدیرکل تبلیغات اسلامی استان
۱۰. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان
۱۱. مدیرکل کار و امور اجتماعی استان
۱۲. مدیرکل صداوسیما استان



۱۳. مدیرکل بهزیستی استان

۱۴. مدیرکل اطلاعات استان

۱۵. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان

۱۶. رئیس دانشگاه وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در صورت تعدد به انتخاب استاندار و دو نفر از اساتید دانشگاه در رشته های مرتبط به انتخاب رئیس شورای استانی.

با توجه به اصلاحاتی که در این لایحه صورت خواهد گرفت، احتمال تغییر در اعضاء و ترکیب این شورا وجود دارد. از جمله آن که ریاست شورا برعهده رئیس کل دادگستری استان قرار خواهد گرفت.

### ب- شوراهای شهرستانی

اعضای شورای شهرستانی پیشگیری از وقوع جرم مشتمل بر افراد ذیل می باشند.

۱. فرماندار (رئیس شورا)

۲. رئیس دادگستری (در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگاه های

عمومی و انقلاب) (نایب رئیس)

۳. دادستان عمومی و انقلاب (دبیر شورا)

۴. رئیس شورای اسلامی شهرستان

۵. فرمانده نیروی انتظامی شهرستان

۶. رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان

۷. رئیس اداره زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی شهرستان

۸. رئیس اداره بهزیستی شهرستان

۹. رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان

۱۰. رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان



۱۱. رئیس اداره اطلاعات شهرستان
  ۱۲. فرمانده ناحیه مقاومت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان
  ۱۳. دو نفر از متخصصان و کارشناسان در رشته‌های مرتبط با پیشنهاد دبیر شورا و انتخاب رئیس شورای شهرستانی پیشگیری.
- این شورا نیز در لایحه جدید از نظر اعضاء و ترکیب آن تغییراتی خواهد کرد، از جمله آن که ریاست آن برعهده رئیس دادگستری شهرستان خواهد بود.

## گفتار دوم- وظایف شورا

### الف- شورای استانی

- بر اساس ماده ۶ لایحه مزبور، هشت وظیفه زیر برای شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم پیش‌بینی شده است:
۱. اجراء تصمیمات و سیاست‌های شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در سطح استان؛
  ۲. تدوین برنامه‌های استانی پیشگیری از وقوع جرم؛
  ۳. بررسی تصویب و ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های استانی و شهرستانی پیشگیری و فراهم آوردن امکانات و بسترهای لازم برای اجرای آن؛
  ۴. برنامه‌ریزی برای سهم‌کردن دیدگاه و نظر شهروندان و ساکنان محله‌ها در تهیه و تنظیم برنامه‌های پیشگیری؛
  ۵. به‌کارگیری و جلب مشارکت نهادهای غیردولتی و مردمی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری؛
  ۶. ارائه گزارش‌های منظم و ادواری از اجراء طرح‌ها و برنامه‌های استانی پیشگیری به سازمان پیشگیری از وقوع جرم؛



۷. هدایت شوراهای شهرستانی پیشگیری از وقوع جرم و نظارت بر عملکرد آنها؛
۸. پیش‌بینی بودجه و منابع لازم برای اجراء طرح‌ها و برنامه‌های استانی پیشگیری و اعلام آن به سازمان پیشگیری از وقوع جرم.

#### ب- شورای شهرستانی

- بر اساس ماده ۸ لایحه مذکور، وظایف شورای شهرستانی پیشگیری از وقوع جرم به شرح زیر است:
۱. اجرای مصوبات و سیاست‌های شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در سطح شهرستان؛
  ۲. اجرای بندهای مربوط به وظایف شورای استانی موضوع ماده (۶) این قانون در سطح شهرستان.
  ۳. پیش‌بینی بودجه و منابع لازم برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهرستانی پیشگیری و اعلام آن به شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم.

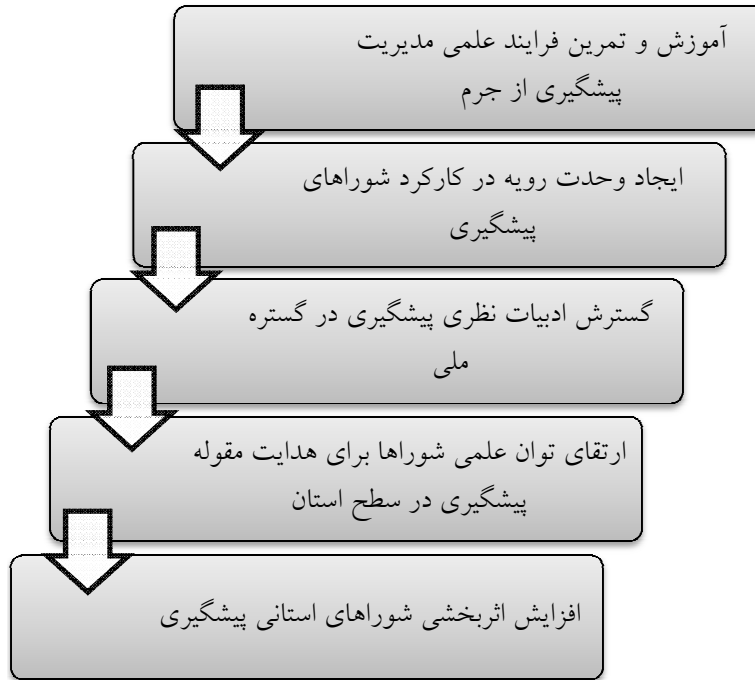


## مبحث پنجم:

### تبیین کارگاه مدیریت پیشگیری از جرم یا آسیب اجتماعی

#### گفتار اول- نحوه تشکیل و اهداف کارگاه

مهم‌ترین اهداف این کارگاه در شکل زیر نشان داده شده است:





## مبحث اول - بررسی راهکارهای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از جرم یا آسیب

تعاریف متعددی از پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه شده است. کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی پیشگیری اجتماعی را عبارت از "تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم" دانسته است.<sup>۱</sup> مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی از جرم را به این نحو تعریف کرده است: "هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف‌گیری موفقیت‌آمیز علل شناخته شده جرم (از طرق علمی)، کاهش دهد" (Palmary, 3: 2001). دولت آفریقای جنوبی هم در سال ۱۹۹۸ تعریف مشابهی را ارائه کرده و پیشگیری اجتماعی از جرم را "کاهش عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی زمینه‌ساز انواع خاصی از جرائم" دانسته است (Ibid).

اما اداره پیشگیری از جرم دادگستری استرالیا، پیشگیری اجتماعی از جرم را "پیشگیری از بزهکاری از طریق تغییر جامعه به جای تغییر در محیط فیزیکی می‌داند"، بنابراین تدابیر پیشگیری اجتماعی، ابزارهایی را برای استفاده در تلاش، برای کاهش رفتار مجرمانه از طریق تغییر شرایط اجتماعی به جوامع ارائه می‌دهند. (Social Crime Prevention Fact Sheet, 1: 2007).

۱- این تعریف در بند الف ماده یک لایحه پیشگیری از جرم (که شور اول آن به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و در مورخه ۱۳۸۴/۷/۱۸ جهت شور دوم به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده)، ارائه شده بود.



در همه تعاریف فوق، تغییر شرایط اجتماعی به‌عنوان راهبرد اصلی پیشگیری اجتماعی شناخته شده است. لیکن به‌نظر می‌رسد که درخصوص مصادیق و محتوای شرایط اجتماعی اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد. در تعریف ارائه شده توسط دولت آفریقای جنوبی، شرایط اجتماعی به عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی تعبیر شده است. درحالی‌که تعریف ارائه شده توسط کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، شرایط اجتماعی را در «محیط اجتماعی» و «محیط فیزیکی» خلاصه کرده است. اداره پیشگیری از جرم دادگستری جنوب استرالیا هم اساساً اصلاح محیط فیزیکی را از مصادیق پیشگیری اجتماعی نمی‌داند.

با دقت در مفهوم پیشگیری اجتماعی می‌توان تعریف زیر را برای پیشگیری اجتماعی از جرم ارائه داد: "پیشگیری اجتماعی از جرم مجموعه تدابیر و اقداماتی است که برای حذف یا کاهش علل، عوامل و موجبات اولیه اجتماعی جرم صورت می‌گیرد."

این شکل از پیشگیری اساساً بر بسیج اشخاص و گروه‌هایی در جامعه استوار است که می‌توانند درخصوص رفع موانع مشارکت عمومی در توسعه پایدار و ایجاد جوامع سالم و پایدار کمک کنند. این راهبرد پیشگیری، عموماً شامل پیروی از سیاست‌های منسجم اجتماعی و برنامه‌های توسعه‌ای است که می‌توانند به برنامه‌های بین‌نهادی تبدیل شده و منافع جامعه بزرگ‌تر را تأمین کنند، از قبیل: بخش‌های اشتغال، آموزش و پرورش، طراحی شهری، مسکن، بهداشت، حمایت از جوانان، رفع محرومیت اجتماعی، پلیس و دادگستری. در بستر نظم و امنیت، مناسب‌ترین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اجتماعی آن‌هایی هستند که عوامل خطر را - که به بروز بزهکاری و رفتارهای خشونت‌آمیز و محرومیت اجتماعی کمک می‌کنند - مورد هدف قرار دهند (Chalom and Al, 2001: 7-8).



### مبانی و ویژگی‌های پیشگیری اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان غربی

در کنار افرادی که بر عوامل اجتماعی به‌عنوان علل جرم تأکید می‌کنند، دیدگاهی بوجود آمده است که به‌طور روزافزون بر علل اقتصادی- اجتماعی و فرصت‌های جرم تمرکز دارد. مثلاً مکتب شیکاگو از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ برنامه‌هایی را در مورد پیشگیری اجتماعی از جرم، در شیکاگو طراحی و اجرا کرد.

مطابق فلسفه زیربنایی این رویکرد، تمام مردم چنانچه در اوضاع و احوال خاص واقع شده و فرصت جرم را به‌دست آورند، مرتکب بزه خواهند شد. این دیدگاه، همکاری بین سازمان‌های رفاه و تأمین اجتماعی، دولت و جامعه مدنی و حمایت بزهکاران بالقوه را برای موفقیت پیشگیری ضروری می‌داند. در این دیدگاه، هنجارمندی جرم (یعنی تلقی جرم به‌عنوان امری عادی در جامعه)، نیز پذیرفته شده است (Palmary, 2: 2001). (برخلاف دیدگاهی که بزهکاران را اقلیتی بیمار می‌داند که هنجارهای جامعه را نقض می‌کنند.)

تحقیقات اخیر در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که تعدادی از عوامل خطر، در بسیاری از جرائم نقش ایفا می‌کنند. اهم این عوامل خطر عبارتند از:

- فقر و توسعه نیافتگی ناشی از محرومیت اجتماعی خصوصاً در مورد نوجوانان؛
- خانواده‌های نامناسب و ازهم‌پاشیده، خشونت و اختلافات خانوادگی؛
- رواج فرهنگ بزهکاری در جامعه؛
- حضور وسایل تسهیل ارتکاب جرم، مانند اسلحه گرم و مواد مخدر؛
- تبعیض و محرومیت ناشی از جنسیت، نژاد و سایر شکل‌های بی‌عدالتی؛
- تباهی مناطق حاشیه شهرها و مرزهای اجتماعی؛
- نظارت ناکافی بر اماکن و دسترسی به اموالی که جابه‌جایی و فروش آن‌ها راحت است (همان: ۳).





این عوامل ما را در مورد دو نکته اساسی هشیار می‌کند. مطلب اول آنکه کودکان و نوجوانان باید موضوع ضروری و نخست پیشگیری از جرم باشند. بسیاری از عواملی که منجر به جرم می‌شوند، همان‌هایی هستند که مداخلات اوان کودکی را می‌طلبند. پیشگیری اجتماعی از جرم در بسیاری از موارد به پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان تعبیر می‌شود. دومین مطلب آن است که محیط مصنوعی (در مقابل محیط طبیعی) می‌تواند بر جرم تأثیرگذار باشد؛ بنابراین می‌تواند به منظور کاهش سطح جرائم مورد جرح و تعدیل قرار گیرد.

رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم بر تقویت روابط اجتماعی، افزایش سطح کنترل غیررسمی اجتماعی و در نتیجه بازدارندگی بزهکاران بالقوه و بالفعل از ارتکاب جرم، استوار است. کانون تمرکز تدابیر پیشگیری اجتماعی در خصوص کسانی است که در خطر بزهکاری قرار دارند و احساس یکپارچگی کمتری با جامعه می‌کنند. طرحی مانند مراقبت همسایگی می‌تواند به منظور تقویت دفاع غیررسمی در جامعه برای توقف جرم و افزایش نظارت مورد استفاده قرار گیرد (Social Crime Prevention Fact Sheet, 1: 2007).

راهبرد مدرن پیشگیری اجتماعی از جرم یک جنبش حرفه‌ای و مدنی است که به وسیله دولت پایه‌گذاری و پشتیبانی شده است و ظرفیت دفاع اجتماعی را بالا می‌برد. پیشگیری اجتماعی مشتمل بر تدابیری است که برای مهار تأثیر علل جرم، کاهش خطر بزه‌دیدگی، افزایش امنیت کلی اجتماع و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی و تأمین حقوق بشر اتخاذ می‌شوند. بنابراین راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم به توسعه اقتصادی، امنیت و کاهش خسارت اخلاقی و مادی ناشی از جرم کمک می‌کند. هزینه اقدامات پیشگیری از جرم باید به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی شود و بازگشت این سرمایه از طریق بهبود امنیت عمومی قابل درک است (Ministry of Justice of Hungary, 3: 2003).



واژه «پیشگیری اجتماعی از جرم» می‌تواند بر تمام برنامه‌هایی اعمال شود که سعی در تغییر شرایط یا الگوهای رفتاری، ارزش‌ها یا خودانضباطی برای کاهش احتمال وقوع بزهکاری دارند. برخی تدابیر پیشگیری اجتماعی از جرم عبارت‌اند از: برنامه‌های حمایت مالی از والدین، آموزش اوان کودکی، حمایت ویژه از کودکان محروم، برنامه‌های تبلیغی برای تغییر تمایل مردان برای استفاده از خشونت در روابط خانوادگی و مانند آن (Digest The Crime Prevention II: 11).

### الگوی بومی (ایرانی - اسلامی) پیشگیری اجتماعی - فرهنگی

با توجه به نگرش‌های متفاوت نسبت به عوامل اجتماعی جرم، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از پیشگیری اجتماعی قابل ارائه است. در یک تقسیم‌بندی بومی که بر اساس کارشناسی و بررسی در معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه صورت گرفته، چهار محور اصلی برای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از جرم ترسیم شده است:

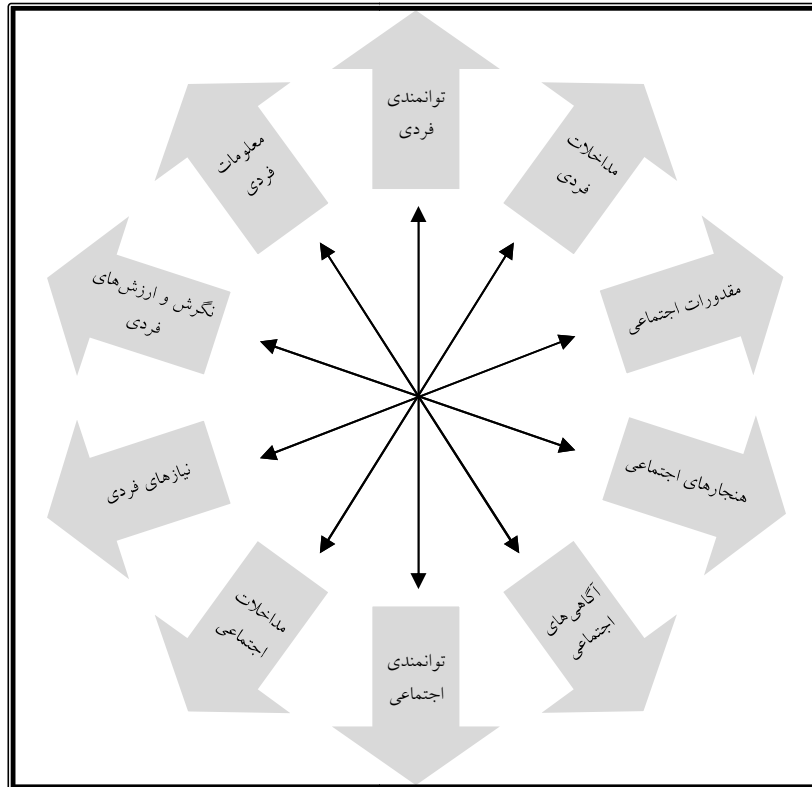
۱. آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی؛
۲. مدیریت نیازها؛
۳. توانمندسازی فردی و اجتماعی؛
۴. تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی.

در تشریح این الگو باید گفت که جرم نتیجه ناهماهنگی داشته‌های فرد با داشته‌های جامعه است و باید در تبیین آن هم به «نقش فرد» و هم «نقش جامعه» اهمیت داده شود. در یک جامعه پرجرم، هم‌راستایی بین نگرش‌ها و ارزش‌های فردی و هنجارهای اجتماعی وجود ندارد؛ معلومات و اطلاعات فردی با آگاهی‌های مورد انتظار و ارائه شده توسط جامعه تعارض دارد؛ توانمندی‌های فردی با توانمندی مورد انتظار جامعه در تناقض هستند؛



مداخلات فردی و اجتماعی هم افزا نیستند؛ و مقدرات اجتماعی هم تناسبی با نیازهای فردی ندارند (شکل شماره ۱-۳).

شکل شماره (۱-۳): رابطه بین مؤلفه های فردی و اجتماعی در جوامع پر جرم

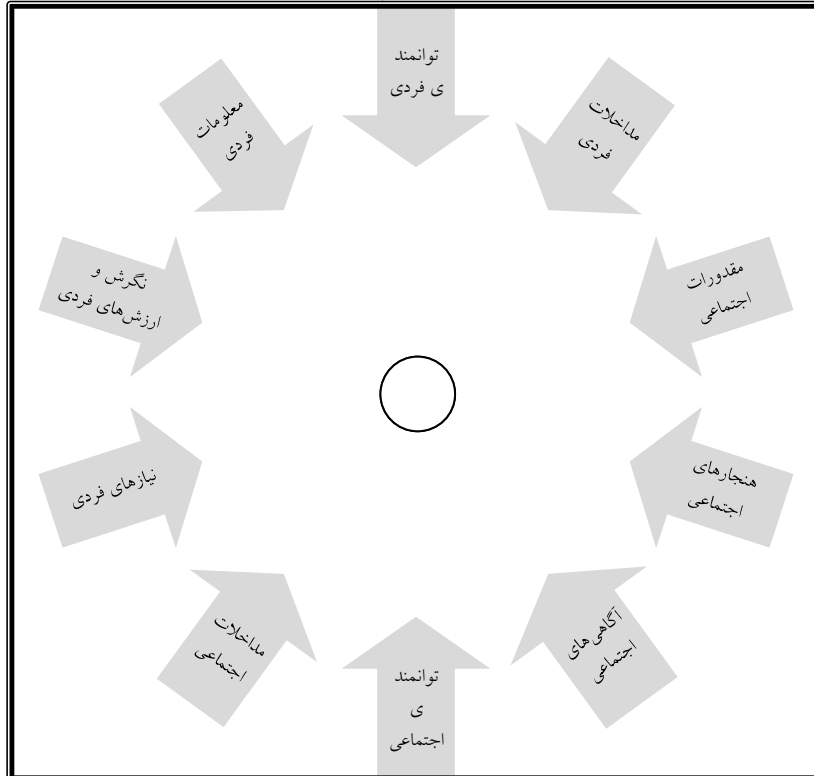


این طور که به نظر می رسد در یک جامعه کم جرم، هم راستایی بین نگرش ها و ارزش های فردی و هنجارهای اجتماعی وجود دارد، معلومات و اطلاعات فردی با آگاهی های مورد انتظار و ارائه شده توسط جامعه توافق دارد، توانمندی های فردی با توانمندی مورد انتظار جامعه هماهنگ هستند، مداخلات



فردی و اجتماعی هم‌افزایند، و مقدورات اجتماعی هم با نیازهای فردی تناسب دارند (شکل شماره ۳-۲).

شکل شماره (۳-۲): رابطه بین مؤلفه‌های فردی و اجتماعی در جوامع کم‌جرم



بر همین اساس است که در این الگوی ایرانی-اسلامی هم فرد و هم جامعه هدف تدابیر پیشگیرانه قرار گرفته و هر سه نوع پیشگیری اولیه و ثانویه و ثالثیه از این طریق قابل اعمال است.

اینک به بیان تدابیر برگرفته از این الگوی ارائه شده برای پیشگیری اجتماعی-فرهنگی از جرم می‌پردازیم. این تدابیر در چهار محور اصلی آمده است که هر یک از آنها ابتدا در قالب یک جدول (جدول شماره ۳-الف) ارائه



و سپس تدابیر مرتبط با هر یک از محورهای اصلی به اختصار توضیح داده خواهد شد.

جدول شماره (۳- الف): محورهای اصلی و فرعی پیشگیری اجتماعی- فرهنگی

| محور اصلی                       | محور فرعی (تدابیر)   |
|---------------------------------|--|
| آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی | اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی  |
|                                 | ترویج و تقویت ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی                                     |
|                                 | ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرایم و آسیب‌های اجتماعی                      |
|                                 | خشتی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم یا آسیب  |
| مدیریت نیازها                   | شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم یا آسیب                                     |
|                                 | اصلاح فرآیند تأمین نیازهای محرک جرم یا آسیب  |
|                                 | حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب   |
| توانمندسازی فردی و اجتماعی      | گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر   |
|                                 | ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی   |
|                                 | تقویت بازسازی اجتماعی  |
|                                 | ارتقای سرمایه اجتماعی  |
| تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی  | تقویت نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری  |
|                                 | تقویت نقش و جایگاه محله‌ها در پیشگیری  |
|                                 | تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی در پیشگیری  |
|                                 | تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیشگیری   |
|                                 | مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم و آسیب‌های اجتماعی |



جدول شماره (۱-۳): تدابیر پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از طریق  
آگاهی‌بخشی و اصلاح باورهای دینی

| ردیف | عنوان تدبیر   | راهکار پیشنهادی |          |
|------|---|-----------------|----------|
|      |   | کوتاه مدت       | میان مدت |
| ۱    | اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی                                   |                 |          |
| ۲    | ترویج و تقویت ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی                |                 |          |
| ۳    | ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرایم و آسیب‌های اجتماعی |                 |          |
| ۴    | خنثی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم یا آسیب                         |                 |          |

تدبیر شماره (۱-۱-۳):

اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی

اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی، اساسی‌ترین راهکار زیربنایی برای تقویت خودپایی و دوری از گناهان و جرائم و آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. در این زمینه به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اصلاح نگرش نسبت به خداوند و جهان هستی:

خداباوری و اعتقاد به ذات اقدس الهی، مبنای اصلی برای جهان‌بینی افراد به‌شمار می‌رود. انسان معتقد به خدا و پایبند به توحید نظری و عملی پای در مسیر جرم و آسیب نمی‌گذارد و در جوامع دینی آسیب‌ها نیز به حداقل ممکن می‌رسد. یکی از تدابیر مهم برای مصونیت بخشیدن به افراد و جوامع در مقابل



جرم یا آسیب، ارتقای ایمان به خداوند در میان مردم است. کسی که خداوند را ناظر بر اعمال و افکار و نیت‌های خود بداند، نه تنها تلاش می‌کند که به سراغ معاصی نرود، بلکه درصدد خواهد بود که حتی تصور جرم و گناه را نیز به خود راه ندهد. شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین تفاوت بین افراد بزهکار و افراد صالح در جامعه، تفاوت در میزان ایمان، خداباوری و پایبندی آن‌ها به لوازم آنهاست. نام و یاد خداوند موجب آرامش دل‌هاست و انسان به آرامش باطن رسیده، هیچ‌گاه درصدد ارتکاب جرم یا آسیب بر نمی‌آید. برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ و رفع شبهات، بازگویی سیره عملی و رفتاری معصومین (ع)، دیدار و مصاحبت با علمای دین و انسان‌های وارسته و پندپذیری از آنان، پاره‌ای از اقدامات در این زمینه به‌شمار می‌روند.

• اصلاح نگرش نسبت به انسان و خویشتن خویش:

پس از خداشناسی و خداباوری، خودشناسی یا خودباوری نیز از تدابیر پیشگیرانه به‌شمار می‌رود. رسیدن به مراتب والای کرامت انسانی از ثمرات خودشناسی است. اعتماد به نفس و ایمان و تکیه به قابلیت‌های فردی، عامل بازدارنده قوی در برابر بزهکاری و بزه‌دیدگی به‌شمار می‌رود و راه را بر بسیاری از جرائم و انحرافات می‌بندد. خودشناسی، انسان را با توانمندی‌های خود آشنا می‌کند و درعین‌حال به نقاط ضعف و رذائل اخلاقی و صفات و خصوصیات ناهنجار نفسانی واقف می‌سازد. شخصی که کرامت نفس دارد، تن به ذلت نمی‌دهد. مطالعات روانشناختی نشان داده است که بسیاری از مباشران جرم و آسیب و همچنین آماج‌های آن‌ها از کسانی هستند که خودباوری و اعتماد به نفس پایین‌تری داشته‌اند. تسلیم شدن در برابر شدائد زندگی و توجیه کجروی و آسیب و یا فقدان جرأت مخالفت، از جمله آثار ضعف خودباوری است. بسیاری از معتادان و سارقان و خلافکاران از جمله کسانی هستند که گوهر وجود انسانی خود را کشف نکرده‌اند. کمک به چنین افرادی برای

شناخت خویشتن خویش موجب کاهش ظرفیت‌های مجرمانه در جامعه خواهد شد.

• اصلاح نگرش نسبت به دنیا و آخرت:

تلقی هر انسان از دنیا، اهداف و سیاست‌ها و راهبردهای او را در طول حیاتش تعیین خواهد کرد. کسی که دنیا را غایت خلقت بداند و به‌عنوان یک منزل دائمی و ابدی به آن بنگرد، تمام تلاش خود را برای حداکثر بهره‌مندی و انتفاع از لذت‌های مادی به‌کار خواهد بست و هیچ مانعی سد راه وی نخواهد بود. برخورداری از نهایت خوشی و راحتی و اوج لذت‌های مادی به مهم‌ترین اهداف انسان‌های دنیاپرست تبدیل می‌شود. در مقابل این دیدگاه افراطی، یک رویکرد تفریطی هم وجود دارد که دنیا را کاملاً پوچ و بی‌ارزش دانسته و هرگونه تلاش در ساختن جامعه و اصلاح امور را، پرداختن به دنیا و کاری مذموم می‌داند. کسالت روحی و روانی و عقب‌افتادگی اجتماعی از ثمرات این زهد دروغین و طریقت انحرافی است. رویکرد اسلام درخصوص دنیا یک دیدگاه متعادل است. اسلام دنیا را به‌عنوان مزرعه آخرت می‌شناسد. کسب روزی حلال، همسنگ مجاهدت در راه خدا شناخته می‌شود و درعین حال هشدار داده می‌شود که مبدا پرداختن به امور دنیا منجر به دلبستگی به دنیا و غفلت از آخرت شود. وابستگی به دنیا عامل اصلی ورود در دام بسیاری از جرائم و آسیب‌ها است. تلقی هر فرد از دنیا، چشم‌انداز درازمدت او را در زندگی شکل می‌دهد و همه اهداف و آرزوهای فردی بر اساس آن شکل می‌گیرند. تعدیل تلقی افراد از دنیا با اقداماتی مانند برگزاری برنامه‌های بازدید از سرای سالمندان، عیادت از بیماران، زیارت قبور درگذشتگان و یاد مرگ، ملاقات با مباشران قبلی و نادم جرم و کجروی، قابل دسترسی است.

نگرش به آخرت نیز همانند نگرش به دنیا از مبنایی‌ترین باورهای هر شخص به‌شمار می‌رود. اعتقاد به آخرت و یقین و باور به آن، عامل مهمی برای تقوای الهی و مقاومت در برابر وسوسه جرم و کجروی است. در جوامعی که



باور به زندگی پس از مرگ و آخرت در آنها ضعیف‌تر است، تنها راه جلوگیری از جرم یا آسیب، تأمین حداکثر رفاه و کنترل جامعه با حداکثر نیروهای پلیس و تأسیس و تجهیز زندان و اجرای مجازات‌های شدید است، در حالی که اعتقاد به آخرت و روز جزا بزرگترین عامل بازدارنده در مقابل پلشتی‌ها است. منابع غنی و وحیانی اسلام تأکید ویژه‌ای بر آخرت و معاد به عنوان یکی از اصول دین دارند. باین‌حال، غلبه غفلت بر انسان و وسوسه شیطان موجب فراموشی از هدف اصلی (آخرت) و فریفته‌شدن در برابر لذت‌های فانی و زودگذر دنیا می‌شود. برای پیشگیری از همین غفلت است که به مسلمانان توصیه شده است که مرگ را برای خود، بسیار یادآوری کنند تا شاید مانعی در برابر این فراموشی زیانکارانه ایجاد شود. هر قدر بتوانیم باور به آخرت را در جامعه تقویت کنیم، به همان میزان زمینه تسلیم‌شدن در برابر وسوسه گناه را از بین برده‌ایم. وعظ و خطابه، برگزاری جلسات خاطره‌پردازی و برگزاری جلسات نشست بزهکاران و منحرفین نادم با متدینین و حضور نوجوانان متمایل به بزهکاری در این جلسات، راهکارهایی در این خصوص به‌شمار می‌روند. قطعاً اندیشمندان شرکت‌کننده در نشست‌ها با بحث و بررسی کارشناسی و استفاده از تجربیات ارزشمند جمعی، خواهند توانست راهکارهای متنوع دیگری را نیز شناسایی و مورد عمل قرار دهند.

• اصلاح نگرش نسبت به دین و دینداری:

دین به‌عنوان نقطه پیوند انسان و خداست و به‌عنوان مجموعه‌ای کامل از برنامه‌های سعادت بشر، برای تمام نیازهای انسان برنامه دارد. امروزه با تبلیغات سوء سکولاریستی، دین به‌عنوان عامل عقب‌ماندگی و مخالف توسعه و پیشرفت معرفی شده است. البته خاستگاه این تفکرات جهان غرب بوده که با گونه‌هایی خاص از مسیحیت تحریف شده و کلیسای ضد علم و تحجرگرا دست‌به‌گریبان بوده است. متأسفانه به دلیل حاکمیت رسانه‌ها و تسلط گول‌های



منحرف رسانه‌ای بر شبکه‌های ارتباطی، موج مذهب‌گریزی غرب به سایر نقاط جهان سرایت کرده است. تهاجم فرهنگی درصدد حذف یا تحریف دین و یا تبدیل آن به عرفان‌های کاذب یا مکاتب انحرافی است و بر آن است تا با ارائه طریقت‌های گوناگون و شخصی‌انگاری دین و دینداری، این باور را در اذهان پیروانند که به تعداد انسان‌های عالم دین وجود دارد که در نهایت نیز هیچ‌گاه این کثرت به وحدت تبدیل نخواهد شد و جنبه اجتماعی و صورت کامل دین هیچ‌گاه بروز پیدا نخواهد کرد. در مقابل باید پیروان دین و دینداران نقطه مقابل این دیدگاه‌ها را تبلیغ کنند و مصادیق فراوان دینداران موفق را به جامعه معرفی کنند و این الگو را نیز به افراد جامعه خصوصاً قشر جوان معرفی کنند.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکار عملی مبتنی بر اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی، در دو دسته کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۱ جدول شماره (۳-۱) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۱-۲):

#### ترویج و تقویت ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی

شاید بتوان قرن جدید را قرن تحول و دگرگونی ارزش‌ها نام نهاد. یکی از کارکردهای منفی رسانه‌ها، جایگزینی ارزش‌های وارداتی با ارزش‌های سنتی، ملی و بومی و یا قلب و تبدیل ارزش‌هاست. اگر در دیدگاه سنتی و بومی، صبر و بردباری و تحمل ناسازگاری‌های همسر و ساختن با تنگناها و مشکلات زندگی، ارزش شمرده می‌شد، امروزه برای برخی از افراد، طلاق و دل‌کندن از همسر و فرزندان و ترک خانه و خانواده ارزش شمرده می‌شود. اگر دیروز کمک به همسر و دست‌گیری از مستمندان، ارزش شمرده می‌شد، امروزه ممکن است بی‌تفاوتی نسبت به دیگران به یک رویه و اخلاق اجتماعی تبدیل شده باشد. هنجارهایی مانند چشم‌پاکی یا پرده‌پوشی یا احترام به بزرگتر و یا



کمک به دیگران ممکن است جای خود را به ناهنجاری‌هایی مانند هرزگی اخلاقی و رفتاری و پرده‌داری و بی‌حرمتی به دیگران بدهد و هنجارهای سالم به‌عنوان نمادی از تفکر سنتی و دیروزین مورد نکوهش و نفی قرار گیرد. بهترین تدبیر، احیای ارزش‌ها و هنجارهای اصیل دینی و بومی و صد البته تطبیق آن‌ها با نیازها و اقتضائات روز جامعه می‌باشد. باید تصدیق کرد که یکی از علل اصلی از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارهای سالم، ناتوانی آن‌ها در انطباق با وضعیت‌های جدید و ناکارآمدی در پاسخگویی به نیازهای مخاطبین جدید است. متولیان امور باید با تدابیر مناسب از شکاف بین‌نسلی در عمل به ارزش‌ها و هنجارها پیشگیری کنند.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکار عملی مبتنی بر ترویج و تقویت ارزش‌ها، هنجارها، اخلاق و رفتار دینی، در دو دسته کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۲ جدول شماره (۳-۱) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۱-۳):

#### ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرایم و آسیب‌های اجتماعی

آگاه‌سازی عمومی را از مصادیق پیشگیری اولیه (اولین سطح از پیشگیری که شامل تمام آحاد جامعه می‌شود) می‌دانند. بسیاری از مردم به دلیل ناآگاهی نسبت به الگوهای جرم یا انحراف و یا آسیب‌های زمینه‌ساز کجروی، آماج بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. مردم نوعاً نمی‌دانند که چه عواملی منجر به بالا رفتن خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی می‌شوند؛ نسبت به عوامل زمینه‌ساز خطر جرم یا آسیب آشنایی کافی را ندارند؛ و عوامل حمایتی در برابر جرم یا آسیب را به‌خوبی نمی‌شناسند. این آگاه‌سازی می‌تواند شامل ارائه اطلاعات در مورد



عوامل خطر در برابر جرم یا آسیب خاص، آثار و عواقب جرم یا آسیب و راه‌های اجتناب از آن‌ها و همچنین شیوه‌های محافظت در برابر آنها باشد. آگاه‌سازی عمومی موجب می‌شود تا مردم یاد بگیرند که موقعیت‌های ارتکاب جرم را به راحتی در اختیار بزهکاران بالقوه قرار ندهند. برای توفیق در پیشگیری، با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر آگاه‌سازی عمومی در مورد جرم یا آسیب مورد نظر شناسایی و مورد اجرا قرار گیرند. استفاده از رسانه‌ها یا مساجد یا مدارس از شیوه‌های رایج در زمینه آگاه‌سازی عمومی به‌شمار می‌روند.

آگاه‌سازی اختصاصی برخلاف آگاه‌سازی عمومی تمام افراد جامعه را دربر نمی‌گیرد بلکه به‌عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری ثانویه، تلاش بر تمرکز آگاه‌سازی بر افراد مستعد بزهکاری یا بزه‌دیدگی دارد. بسیاری از افراد به دلیل وضعیت خاص جسمی یا روحی یا اجتماعی یا وجود معلولیت یا ناتوانی جسمی و مواردی از این قبیل، از ظرفیت جنایی بالاتری برای بزهکاری یا بزه‌دیدگی برخوردارند. شناسایی مخاطبین خاص این نوع از آگاه‌سازی، از اهمیت زیادی برخوردار است و درغیراین صورت موجب تمرکز تلاش‌ها بر افراد غیرضرور و در نتیجه اتلاف منابع شده و اثربخشی چندانی نخواهد داشت. برای شناسایی مخاطبین باید از اطلاعات موجود نزد سازمان‌های دولتی و نهادهای مدنی و اشخاص داوطلب، نهایت استفاده را کرد. به‌عنوان مثال، اولیای مدارس می‌توانند اطلاعات زیادی از دانش‌آموزان برخوردار از کانون خانوادگی نابسامان را در اختیار دست‌اندرکاران امر پیشگیری قرار دهند، سازمان بهزیستی آمار مناسبی از کودکان متعلق به خانواده‌های معتاد و پرخطر را در اختیار دارد و یا ادارات سرپرستی داسراها، اطلاعات زیادی در مورد کودکان بدسرپرست در دسترس دارند. مردم و ائمه جماعات و اعضای شوراهای اسلامی نیز در این زمینه اطلاعات ذی‌قیمتی دارند. به‌دلیل محدودیت منابع حتماً باید شاخص‌هایی را برای اولویت‌بندی جامعه هدف، در نظر گرفت



به‌عنوان مثال دانش‌آموزانی که دارای ۱۰ شاخص خطر اعتیاد در خانواده خود هستند، نسبت به دانش‌آموزان واجد ۵ یا ۶ عامل خطر، از اولویت بیشتری برای شرکت در آگاه‌سازی اختصاصی برخوردار هستند.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکار عملی مبتنی بر ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرایم و آسیب‌های اجتماعی، در دو دسته کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۳ جدول شماره (۱-۳) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۱-۴):

#### خنثی‌سازی عملیات روانی مروجین جرم یا آسیب

افراد تیم بزهکاری یا آسیب در برابر آگاه‌سازی عمومی و اختصاصی تیم پیشگیری از جرم، بیکار نخواهند نشست. بسیاری از آن‌ها از انگیزه‌هایی قوی برای گسترش جرم یا آسیب برخوردارند و به سادگی در مقابل تدابیر پیشگیرانه تسلیم نخواهند شد. آن‌ها تلاش خواهند کرد که ابتکار عمل را در دست داشته و با القای شبهات مختلف و انجام عملیات مختلف روانی، مانند اغراق یا تحریف یا تکذیب، ضریب تأثیر آگاه‌سازی‌ها را کاهش داده و حتی خنثی کنند. به‌عنوان نمونه، مروجین سیگار یا موادمخدر مصرف این مواد را بسیار «شفابخش» و «عامل فراموشی و رهایی از غم و غصه» وانمود می‌کنند. حضور زنان و دختران جوان در مجالس مختلط را «لذت بردن از جوانی» و شرارت و قلدری در برابر سایر افراد در جامعه را «نشان مردانگی و جسارت» و انضباط و قانون‌مداری را «نشان ترس» تبلیغ می‌کنند. حبس در زندان در خرده‌فرهنگ بزهکاری نشان از «بلوغ شخصیتی» و «اثبات لیاقت» به حساب می‌آید. طرح شکایت و تظلم‌خواهی را «علامت زبونی» و در عوض انتقام



گرفتن و مقابله به مثل را «عین مردانگی» می‌شناسانند. متأسفانه این تبلیغات مسموم در محافل بزهکاران و لایه‌های زیرین جامعه جاری است و جذابیت این خرده‌فرهنگ بزهکارانه، جوانان و نوجوانان طبقات خاصی از جامعه را به خود جذب کرده و شاید یکی از دلایل شیوع جرائم خشن و بی‌محابا در میان بزهکاران کم‌سن و سال ناشی از همین القائات باشد. به همین دلیل باید تیم حمایتی، شناخت و اشراف کافی را بر عملیات روانی حریف داشته و آن‌ها را به موقع خنثی نماید.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکار عملی مبتنی بر ارتقای آگاهی‌های عمومی و اختصاصی در مورد جرایم و آسیب‌های اجتماعی، در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۴ جدول شماره (۳-۱) درج شود.

جدول شماره (۳-۲): تدبیرهای پیشگیری اجتماعی- فرهنگی از طریق مدیریت نیازها

| ردیف | عنوان تدبیر  | راهکار پیشنهادی |          |
|------|--|-----------------|----------|
|      |  | کوتاه‌مدت       | میان‌مدت |
| ۱    | شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم یا آسیب |                 |          |
| ۲    | اصلاح فرآیند تأمین نیازهای محرک جرم یا آسیب        |                 |          |
| ۳    | حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب                       |                 |          |

تدبیر شماره (۳-۲-۱):

## شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم یا آسیب

وجود برخی نیازها و عدم مدیریت صحیح آن‌ها منجر به درگیر شدن افراد در جرم یا آسیب می‌شود. به‌عنوان نمونه، میل به آرامش، محرک گرایش به مصرف موادمخدر است. میل نوجوانان به عضویت و مشارکت در گروه‌های همسالان و کسب هویت اجتماعی، زمینه را برای افتادن آنان در دام باندهای بزهکاری مهیا می‌کند. میل به ثروت و برخورداری از امکانات مادی، بسیاری از جرائم و آسیب‌های مالی و اقتصادی را دامن می‌زند. غریزه شهوت و عدم ارضای صحیح آن، جرائم و آسیب‌های جنسی را به دنبال خواهد داشت؛ نیاز به جلب توجه و خودآرایی در سنین جوانی و نوجوانی موجب بسیاری از موارد بدپوششی می‌شود. به هر حال با این نیازها چه می‌توان کرد؟ آیا این نیازها واقعی بوده یا کاذب هستند؟ آیا باید این نیازها و خواسته‌ها را سرکوب کرد یا با مدیریت صحیح و هدایت درست رفع این نیازها، به نبردی عالمانه با عوامل محرک جرم یا آسیب پرداخت؟ بدون تردید اکثر این نیازها برآمده از فطرت و غرایز آدمی است و باید به نحو صحیح در جامعه مدیریت شوند. شناخت و دسته‌بندی این نیازها اولین گام در تأمین و برآورده کردن آن‌ها از طرق صحیح خواهد بود.

در یک بررسی اجمالی نیازهای منجر به جرم یا آسیب را می‌توان به نیازهای واقعی و غیرواقعی تقسیم کرد. بسیاری از افراد ممکن است نیازهای خود را واقعی تصور کنند، اما در نگاهی عمیق‌تر متوجه می‌شوند که نیاز مذکور غیرواقعی است یا اینکه سطح برآورده‌سازی آن بسیار کمتر از میزان توقع آن‌هاست. به‌عنوان مثال، نیاز مالی جهت تأمین هزینه‌های معمول زندگی، داشتن اتومبیل برای ایاب و ذهاب، ارتباط با دوستان جهت مصاحبت و گذران اوقات فراغت، تفریح برای برطرف کردن خستگی روحی و... همگی نیازهای

طبیعی و مشروعی هستند، اما میزان و حد و مرز مشخصی دارند. در بیشتر موارد افراط در تأمین این نیازها، بی‌آنکه خود فرد متوجه باشد، کار را به تجمل‌گرایی و دنیاطلبی مفرط می‌انجامد. در بسیاری از موارد رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی و بعضاً مسئولان و کسانی که الگوی مردم تلقی می‌شوند، نیز به این رویه دامن می‌زنند. به‌عنوان مثال داشتن وسیله ایاب و ذهاب برای هر خانواده‌ای لازم است، اما افراط در این امر و خرید و استفاده از خودروی چند ده میلیونی و نمایش آن در خیابان‌ها نیز نسبتی با این نیاز ندارد. آیا چنین رویه‌هایی موجب احساس ناکامی و فشار و به تبع آن انگیزه‌مندی برای ارتکاب جرم توسط اقشار ضعیف و آسیب‌دیده نمی‌شود؟ راهکار پیشگیرانه این است که مجدداً این نیازها را تعریف کنیم و اجازه ندهیم که در هر زمینه‌ای دچار افراط شویم. در تهاجم فرهنگی تلاش می‌شود که الگوهای هنجارمند نیازها به‌هم‌ریخته شود و افراد جامعه به سمت الگوهای دیکته‌شده توسط حریف دلالت شوند. ارائه حد متعادل مسکن، حد متعادل تفریح، حد متعادل مصاحبت و دوستی، حد متعادل تغذیه و... کارساز خواهد بود.

تلاش دولت‌ها برای تأمین نیازهای اولیه مردم و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها در زمینه معیشت، مسکن، ازدواج و... اگر به صورت مؤثر انجام شود، در کاهش آسیب‌ها و پیشگیری از جرم بسیار کارساز است. به‌عنوان مثال، توسعه مسکن مهر و سهولت خانه‌دار شدن افراد، موجب کاهش هزینه‌های ناشی از جرم یا آسیب برای جامعه خواهد بود. از جمله نیازهای مشروع، نیازهای جنسی است. بسیاری از زنان و مردان در سنین مختلف به دلیل فوت همسر یا طلاق و یا عدم امکان ازدواج و تشکیل خانواده، سال‌ها به صورت مجرد زندگی می‌کنند. این افراد چند راه پیش روی خود دارند: یا از ازدواج و تأمین نیازهای زندگی صرف‌نظر کرده و به صورت مجرد زندگی کنند، یا همچون برخی از افراد بدون هرگونه محدودیتی به برقراری روابط جنسی با افراد متعددی پردازند و یا از طرق مشروع مانند نکاح موقت، نیازهای جنسی خود را تأمین کنند. شرع





مبین برای نیازهای مختلف بشر راهکارهای متنوع و مشروع قرار داده است، لیکن برخی مواقع رواج آداب و رسوم و باورهای غلط، زمینه را برای گسترش معاصی مستعد می‌کند. توسل به این راه‌های غلط و نامشروع موجب رشد رذائل اخلاقی در جامعه گردیده و جامعه را مستعد بروز هر جرم و آسیبی می‌کند.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر شناسایی و تأمین نیازهای مشروع مرتبط با جرم یا آسیب، در دو بخش کوتاه مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۱ جدول شماره (۲-۳) درج شود.

#### تدبیر شماره (۲-۲-۳):

#### اصلاح فرآیند تأمین نیازهای محرک جرم یا آسیب

در بسیاری از موارد فرایندهای تأمین نیازهای پایه‌ای جامعه به قدری ضعیف و ناکارآمد هستند که پاسخگوی نیازها نبوده و افراد مختلف از فرصت به دست آمده سوءاستفاده کرده و دام خود را برای آماج نیازمند می‌گسترانند. به عنوان مثال با توجه به سهم بالای جمعیت جوان کشورمان و تشکیل خانواده‌های جدید و همچنین الگوهای تجملی در مسکن و تقاضای شدید در بازار مسکن، افرادی به کلاهبرداری در بازار مسکن پرداخته و اشکال مختلف کلاهبرداری از افراد نیازمند مسکن را از طریق پیش‌فروش واهی و فروش ملک واحد به افراد متعدد یا عدم ایفای تعهدات توسط فروشندگان در قبال خریداران اعمال می‌کنند. مطالبات دختران و پسران جوان و خانواده‌های آنان به قدری بالا رفته است که سن ازدواج بالا رفته است و فشار نیاز جنسی همراه با مظاهر فرهنگی غرب موجب ارتباطات نامشروع و آسیب‌های جنسی



نیازهای کاذب یا باید حذف شوند که حذف آن‌ها گاه به‌طور مستقیم و گاه به‌طور غیرمستقیم صورت می‌گیرد و یا باید با نیازهای مشروع جایگزین شوند. نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر حذف یا جایگزینی نیازهای کاذب در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۳ جدول شماره (۲-۳) درج شود.

جدول شماره (۳-۳): تدبیرهای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از طریق توانمندسازی فردی و اجتماعی

| راهکار پیشنهادی |           | عنوان تدبیر                            | ردیف |
|-----------------|-----------|--|------|
| میان‌مدت        | کوتاه‌مدت |  |      |
|                 |           | گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر | ۱    |
|                 |           | ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی           | ۲    |
|                 |           | تقویت بازسازی‌گاری اجتماعی             | ۳    |
|                 |           | ارتقای سرمایه اجتماعی                  | ۴    |

تدبیر شماره (۳-۳-۱):

**گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر**

امر به معروف و نهی از منکر که یکی از فروع دین اسلام است و عمل به آن برای مسلمانان یک فریضه تخلف‌ناپذیر تلقی می‌شود. نقش بسیار مهمی در نظارت همگانی و مشارکت افراد در پیشگیری از جرم و کجروی دارد. در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران مسلمانان امتی دانسته شده‌اند که دعوت به نیکی کرده و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. این فریضه الهی از یک سو سبب می‌شود

تا مسلمانان طریق رستگاری را به یکدیگر آموزش داده و آن را مورد یادآوری قرار دهند و از سوی دیگر سبب می‌شود در موقعیت‌هایی که فرد در معرض گناه و انحراف قرار می‌گیرد، با تذکر برادران و خواهران دینی خود، متنبه شده و از ارتکاب گناه صرف‌نظر کند. ترویج و شناخت معروف و منکر و آشنایی و تسلط نسبت به شیوه‌های طرح مسئله و موعظه و مراتب آن از دیگر آثار گسترش این سنت حسنه است. حرکت جمعی برای پیشگیری از جرم و کجروی از مسیر امر به معروف و نهی از منکر قابل گسترش است، اما ساماندهی و مدیریت این حرکت اجتماعی نیاز به برنامه‌ریزی و نظارت دارد.

به نظر می‌رسد در حال حاضر گسترش امر به معروف و نهی از منکر حداقل با دو مشکل جدی مواجه است. از یک سو با نفوذ فرهنگ‌های وارداتی و گفتمان‌های غیراسلامی از دموکراسی و القای فرهنگ قرائت‌های مختلف از دین، شناخت معروف و منکر با مشکلات جدی مواجه شده است؛ از سوی دیگر احساس مسئولیت و تذکر به دیگران به غلط و به تاسی از فرهنگ منحط غربی، امری مذموم و دخالت در امور دیگران قلمداد شده است و شهروند مطلوب و قانونمند کسی است که هیچ واکنش شخصی در قبال قانون‌شکنی نشان ندهد، بلکه با ترک صحنه و بی‌تفاوتی یا نهایتاً تماس با تلفن ۱۱۰ مسئله را به مأموران گزارش کند. هرچند نفس خبررسانی و تماس با پلیس کار خوبی است، اما به نظر می‌رسد که در صورت عدم دسترسی به پلیس یا عدم حضور یا مداخله مؤثر از ناحیه پلیس یا سایر مأموران دولتی، نباید وظیفه اجتماعی خود را خاتمه یافته قلمداد کنیم بلکه کافی است که خود را همسان بزه‌دیده‌ای تصور کنیم که چشم امید او به کمک جامعه و وجدان جمعی است. به نظر می‌رسد که رواج امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، سد مستحکمی خواهد بود در برابر طغیان سیل جرم و کجروی.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در دو بخش کوتاه‌مدت



(بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۴ جدول شماره (۳-۳) درج شود.

تدبیر شماره (۳-۳-۲):

ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی

مهارت‌های اساسی زندگی عبارت است از «مهارت‌های مختلف کلامی و رفتاری، که یک فرد را قادر به تعامل و کنش و واکنش مناسب در شرایط مختلف جامعه با سایر اعضای جامعه می‌نماید». امروزه به دلیل گسترده‌ی روابط و شبکه‌های اجتماعی حقیقی و مجازی، شمار مهارت‌های لازم برای زندگی بالاتر رفته و تنوع زیادی نیز پیدا کرده است. مهارت‌هایی مانند حل مسئله، مذاکره، رفع نیازهای زندگی، مدیریت هیجان و عواطف، مدیریت خشم، و حتی مهارت مشارکت در دنیای مجازی و امثال آن از ضروریات زندگی در جوامع پیچیده امروز به‌شمار می‌روند. بدون برخورداری از این مهارت‌ها تعامل مناسب با جامعه پیرامونی بسیار دشوار شده و فرد به دلیل عدم ارتباط مناسب با محیط دچار سرخوردگی و مہیای آسیب خواهد بود. از مهم‌ترین مهارت‌های لازم که در پیشگیری از جرم مؤثرند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مهارت اجتناب از ستیزه:

این مهارت فرد را قادر می‌سازد که در برابر وضعیت‌های پرخطر کج‌روی، منطقی‌ترین واکنش‌ها را از خود بروز دهد. با چند مثال مطلب روشن‌تر می‌شود: تصور کنید شما در حال پارک اتومبیل خود در محل مناسبی در یک خیابان شلوغ هستید. در همین حین، راننده دیگری با سرعت عمل بیشتر محل پارک شما را تصاحب و اتومبیل خود را زودتر از شما در آن پارک کرده و با لبخندی رضایت‌آمیز، قصد ترک محل را دارد. معمولاً همه ما در چنین مواردی



درباره نوع واکنش در برابر طرف مقابل دچار سردرگمی می‌شویم. به‌عنوان مثال مرددیم که آیا گذشت و جستجو برای پیدا کردن محل پارکی دیگر بهتر است یا اعتراض به راننده بی‌ملاحظه و وادار کردن وی به خارج کردن ماشین خود از محل و واگذاری محل پارک به ما؟ یا زمانی که با فردی سیگاری مواجه می‌شویم که در درون اتوبوس و فضای بسته مرتب با دود سیگار دیگران را کلافه می‌کند و اعتراضات محترمانه دیگران هم تأثیری بر این رفتار وی ندارد؛ به شخصی تا موعد مشخصی پول قرض داده‌ایم و اکنون که خودمان به‌شدت محتاج آن هستیم، حاضر به ادای دین خود نیست؛ این موارد و نظایر آنها، شاید هر روز چندین مرتبه برای هر کسی اتفاق بیفتد. به‌راستی چگونه اعتراض خود را به اطرافیان یا همکاران و یا همسایگان و همسفران خود برسانیم؟ از چه زبانی استفاده کنیم؟ طنز یا شوخی، اجبار یا خواهش، نصیحت یا تهدید؟ در پاسخ باید گفت که انتخاب روش مناسب و اجتناب از اقدام ناصحیح، یکی از فنون و مهارت‌هاست.

تجربه نشان داده است که افراد فاقد این مهارت‌ها اغلب از استیفای حقوق خود ناتوان بوده و ناچار می‌شوند هزینه‌های سنگینی را برای جبران اشتباهات رفتاری خود بپردازند. فرد خشمگینی که به جای صحبت و مذاکره و طرح خواسته خود از طرف مقابل، متوسل به خشونت می‌شود، اغلب بلافاصله از اقدامات خود پشیمان شده و ناچار می‌شود هزینه زیادی را برای جبران خطای خود متحمل شود، که گاه ممکن است این اشتباه به بهای زندگی وی یا دیگری تمام شود. اگر مردم بیاموزند که چگونه خشم خود را مهار کرده، چگونه باب مذاکره را با طرف مقابل بگشایند یا چگونه از مداخله بزرگان جمع استفاده کنند، این مهارت‌ها در آنان تبدیل به ملکه شده و در موارد مشابه رفتارهای قابل‌قبولی را از خود نشان خواهند داد.

## ۲. مهارت اجتناب از رفتارهای فردی زمینه‌ساز جرم یا آسیب:

مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، رفتار عمدی یا

سهوی یا غفلت و اشتباه افراد موجب تسهیل بزه‌دیدگی آنها می‌شود. تماس بی‌محابا و خارج از حدود شرعی با افراد نامحرم در محیط‌های کار یا سکونت، معاشرت با هم‌سن‌وسالان مجرم یا منحرف، دوری از خانواده و حمایت‌های بستگان و پناه‌بردن به افراد غریبه و ناشناس، استعمال دخانیات و حضور در محافل تدخین مواد مخدر، شرکت در مراسم‌های مختلط و گناه‌آلود و بسیاری از موارد دیگر از مصادیق رفتارهایی هستند که افراد را در معرض خطر انحراف و بزهکاری قرار می‌دهند. شرط عقل اجتناب از این رفتارها و فاصله گرفتن از محیط‌های پرخطر است. بسیاری از افراد به این تصور که قدرت کنترل بر شرایط را دارند، خود را در وضعیت‌های پیش‌جنایی و خطرناک قرار می‌دهند؛ غافل از اینکه ممکن است اوضاع از کنترل آنان خارج شود و مورد سوءرفتار قرار گیرند. بسیاری از معتادان تصور می‌کرده‌اند که هر وقت بخواهند فرصت و قدرت کنار گذاردن مواد مخدر را دارند. برخی از دختران تصور می‌کنند که می‌توانند با حفظ عفت خود، با پسران و مردان نامحرم رابطه دوستانه داشته باشند؛ بسیاری از نوجوانان تصور می‌کنند هر وقت بخواهند می‌توانند از گروه همسالان بزهکار خود خارج شوند، بسیاری از قاچاقچی‌های مواد مخدر بارها با خود عهد بسته‌اند که دست از این تجارت شوم بردارند و...؛ اما در واقع چنین تصویری همواره به واقعیت نخواهد پیوست و فرد با ارتکاب رفتارهای خطرناک، خود را در معرض جرم و کجروی قرار می‌دهد. مشکل وقتی جدی‌تر می‌شود که این رفتارها به تدریج در اثر تکرار تبدیل به عادت و فرهنگ شود که در آن صورت جایگزین کردن آن با رفتارهای صحیح بسیار دشوار خواهد بود. شناخت و اجتناب از این رفتارها موجب آسایش فرد و جامعه خواهد شد.

### ۳. مهارت مدیریت خطر:

یکی از مهارت‌های کارگشا در برابر تهدیدات جرم و آسیب، مهارت مدیریت خطر است. پنج شیوه اصلی برای مدیریت خطر جرم یا انحراف بیان

شده که شامل «اجتناب از خطر»، «کاهش خطر»، «اطاله زمان»، «انتقال خطر» و بالاخره «پذیرش خطر» است.

نخستین انتخاب در مدیریت خطر، **اجتناب از خطر** است. در صورتی که ابزارهای لازم برای مقاومت و تفوق در برابر بزهکاران در اختیارمان نباشد، از بین بردن موقعیت جرم یا آسیب و اجتناب از روبه‌رو شدن با خطر بزه یا آسیب، همیشه بهترین راه حل است. به عنوان مثال اگر پیاده‌رو یک سوی خیابان فاقد روشنایی و پیاده‌رو سمت مقابل، دارای روشنایی باشد، برای یک خانم یا فرد سالمند بهتر است که از پیاده‌روی حرکت کند که روشنایی مناسب داشته باشد تا به وسیله بزهکاران غافلگیر نشود. یا خانه را خالی نگذارند تا منزلشان مورد سرقت قرار نگیرد.

گاه اجتناب از خطر امکان‌پذیر نیست و انجام امور ضروری زندگی، پذیرش سطح خفیف‌تری از خطر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، بنابراین می‌توان با **کاهش خطر**، نسبت به رویارویی با عوامل خطر، در کنار انجام امور روزمره اقدام نمود. به طور مثال با اینکه ترک منزل توسط همه اعضای خانواده خطر سرقت از منازل را افزایش می‌دهد، لیکن خروج از خانه برای کار و امرار معاش، تحصیل و غیره، امری ضروری است و از الزامات زندگی امروزه به‌شمار می‌رود و لاجرم منزل، لااقل برای ساعاتی از شبانه‌روز خالی می‌ماند. در این صورت اعضای خانواده می‌توانند با کاهش اموال در دسترس و قابل سرقت در منزل، خسارت سرقت از خانه را به حداقل برسانند. یا مثلاً با همراه داشتن وجه نقد به اندازه نیاز روزانه، خسارت ناشی از جیب‌بری یا سرقت وجوه همراه خود را به حداقل کاهش دهند و یا با کاهش سرعت در جاده، خطر خسارات ناشی از تصادف را کاهش دهند.

روش سوم مدیریت خطر، **اطاله زمان** برای عمل مجرمانه است که شامل اقدامات فیزیکی، الکترونیکی و تکنیکی است که می‌توانند به تنهایی یا به صورت ترکیبی برای رویارویی با فعالیت مجرمانه احتمالی و طولانی‌تر کردن



زمان لازم برای ارتکاب جرم صورت گیرد. هدف اصلی از این کار، معطل کردن مجرم، در صورت شروع به ارتکاب جرم است، به نحوی که پلیس یا اشخاص دیگر به حمایت از بزه‌دیده وارد عمل شوند و مجرم قبل از رسیدن به هدف و فرار دستگیر شود و از دسترسی بزهکار به آماج جرم جلوگیری شود. مانند قرار دادن پول در گاوصندوق که زمان لازم برای خارج کردن وجوه و اسناد مالی از آن را افزایش می‌دهد.

در صورتی که سه روش اول مدیریت خطر نتیجه‌بخش نباشند، روش چهارم یعنی **انتقال خطر** صورت می‌گیرد. بدین معنا که خطر و هزینه و خسارت آن با روش‌های قانونی و متعارف به دیگران منتقل شده و بدین ترتیب جامعه در قبال آثار و عواقب آن خطر مسئول می‌شود. بیمه اموال در برابر سرقت یا اضافه کردن خسارت ناشی از سرقت اجناس از فروشگاه‌ها به قیمت تمام شده، نمونه‌هایی از این روش هستند.

گاه تمام شیوه‌های ممکن در مواجهه با خطر جرم یا کجروی ناکارآمد هستند و ممکن است علی‌رغم اتخاذ تدابیر مختلف، جرم یا کجروی واقع شود. در این صورت حداقلی از خطر به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی پذیرفته شده (**پذیرش خطر**) و تلاش می‌شود با آن کنار آمده و با تدابیر و تمهیدات مناسب در درازمدت، آن خطر را کمتر و کمتر نمود. به عنوان مثال زندگی در برج‌ها مجتمع‌های شلوغ آپارتمانی مشکل‌تر و محدودکننده‌تر از زندگی در خانه‌های مستقل و ویلایی است و زندگی مسالمت‌آمیز در مجتمع‌ها، آستانه صبر بالاتری را می‌طلبد، اما اقتضایات زندگی شهرنشینی مردم را مجبور می‌کند که علی‌رغم مخاطرات این نوع از زندگی به آن تن دهند. وقوف و پذیرش این واقعیت موجب ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در میان مردم می‌شود و درگیری‌ها و خطرات ناشی از آن را کاهش می‌دهد. آشنایی آحاد جامعه و اعضای شوراهای پیشگیری و صنوف مختلف با شیوه‌های مدیریت خطر جرم یا آسیب، و کسب





مهارت در به کار بستن آنها، موجب پیشگیری از وقوع جرم و یا لااقل کاهش صدمات ناشی از جرم یا آسیب می شود.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی در دو بخش کوتاه مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۱ جدول شماره (۳-۳) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۳-۳):

#### تقویت بازسازی اجتماعی

مطابق قاعده "برچسب زنی"، ارتکاب جرم و تحمل مجازات ناشی از آن، موجب اشتهار سوء افراد درگیر در آن شده و در نتیجه بزهکاران اعم از نادم یا غیرنادم از سوی جامعه طرد می گردند. چنین موقعیتی، تمایل و حرکت افراد نادم و سرخورده از بزهکاری را برای بهبود وضعیت خود و بازگشت مجدد به جامعه با دشواری مواجه می سازد. هرچند جامعه مسبوق به تجربه پیشین، از بازگشت واقعی و پایدار افراد بزهکار مطمئن نیست و تلاش می کند با دوری جستن از چنین افرادی جانب احتیاط را رعایت کرده و یادگیری از طریق معاشرت و یا تقلید را به حداقل ممکن برساند، لیکن این کار با وجود برخی مزایا، آثار زیانباری دارد و موجب انزوای افراد مصمم به بازگشت به مسیر درست و رفتار قانونمند شده و زمینه ساز آن است که مجدداً به معاشرت‌های سوء قبلی خود برگردند. افراد جامعه معمولاً به این افراد اعتماد نمی کنند و شراکت کاری یا ازدواج با اشخاص سابقه دار، به ویژه کسانی که دارای سابقه اعتیاد یا زندان (بدون توجه به علت آن) هستند، خودداری می کنند. عرف موجود معاشرت با زنان و مردان مطلقه را چندان تشویق نمی کند. این احتیاط‌ها گاه جنبه افراطی به خود می گیرند و راه برگشت را برای افراد دشوار می کنند.



البته نفس احتیاط و تأمل در ایجاد رابطه با افراد دارای سوابق سوء، چندان ناپسند نیست، اما مهم تشخیص حد تعادل و وظیفه اجتماعی و خانوادگی برای حمایت از چنین افرادی است. به‌خصوص دوستان و بستگان در این موارد وظیفه خطیری دارند تا با گسترش چتر حمایتی خود، از بزهکاری و بزه‌دیدگی ثانویه و مضاعف جلوگیری کنند. نهادهای رسمی و غیرمردمی نیز می‌توانند با اجرای برنامه‌هایی همانند برگزاری جلسات مشاوره و نشست با خانواده‌ها، بزهکاران، بزه‌دیدگان و کارآفرینان می‌توان به بازپذیرش اجتماعی افراد دارای سابقه جرم یا کجروی کمک نمود.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت بازسازی اجتماعی در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۲ جدول شماره (۳-۳) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۳-۴):

#### ارتقای سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، عبارت است از تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضای جامعه، که باعث ایجاد شبکه‌های روابط معقول و ارتقاء حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می‌گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ جامعه و همبستگی در آن کمک می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی نوپا و دارای سه مؤلفه مهم «اعتماد اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی» است که خود هم معلول و هم گسترش‌دهنده این سه مؤلفه است. اینک به توضیح مختصر این سه مفهوم می‌پردازیم.

**اعتماد اجتماعی؛** بر انتظارات و تعهدات افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به

سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دلالت دارند. در جوامعی که اعتماد اجتماعی و همکاری متقابل بین افراد در آنها ضعیف است، گسیختگی و شکاف، میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌گردد.

اعتماد اجتماعی با معرف‌هایی همچون صداقت، عدالت، انصاف، وفای به عهد و... سنجیده می‌شوند. اعتماد اجتماعی دارای وجوه مختلفی مثل اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادها به یکدیگر و اعتماد حکومت و نهادها به مردم می‌باشد. برنامه‌ریزی برای ازبین‌بردن عوامل بی‌اعتمادی موجب تسهیل تدابیر پیشگیرانه خواهد شد.

**انسجام اجتماعی؛ عبارت است از توافق جمعی میان اعضای یک جامعه که حاصل پذیرش و درونی‌کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است (قنادری، ۱۳۸۹)**

انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به‌وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، افراد متصل به جماعت اجتماعی شده باشند، کنش‌ها تنظیم شده و به‌وسیله هنجارها هماهنگ شده باشند. انسجام اجتماعی با معرف‌هایی همچون میزان پابندی به تعهدات درقبال یکدیگر، کمک به سایرین در هنگام گرفتاری‌ها، شرکت در مراسم غم و شادی یکدیگر، احترام کوچکتر به بزرگتر و... قابل سنجش است (همان). ارتقای انسجام اجتماعی علاوه بر از بین بردن عوامل خطر جرم و آسیب، موقعیت‌ها را نیز از بزهکاران سلب می‌نماید و موجب افزایش حمایت و صیانت از آماج جرم و آسیب می‌شود. راه‌اندازی تشکل‌های ضد جرم و فعالیت‌های خاص اجتماعی از قبیل امور خیریه از راهکارهای افزایش انسجام اجتماعی به‌شمار می‌روند.

**مشارکت اجتماعی؛ عبارت است از شرکت فعالانه افراد جامعه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به‌طورکلی تمام شئون اجتماعی. در واقع، مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی اشاره دارد که از طریق آن**



اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و کشور خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دخالت دارند.

مشارکت اجتماعی با معرف‌هایی از قبیل شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها، شرکت در فعالیت‌های سیاسی، فعالیت در ستادهای انتخاباتی، علاقه‌مندی به برنامه‌های صداوسیما و... یا تعیین متغیرها و شاخص‌های مناسب مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر ارتقای سرمایه اجتماعی در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۳ جدول شماره (۳-۳) درج شود.

جدول شماره (۳-۴): تدبیرهای پیشگیری اجتماعی - فرهنگی از طریق تقویت مداخلات اجتماعی و فرهنگی

| ردیف | عنوان تدبیر  | راهکار پیشنهادی |          |
|------|--|-----------------|----------|
|      |  | کوتاه‌مدت       | میان‌مدت |
| ۱    | تقویت نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری  |                 |          |
| ۲    | تقویت نقش و جایگاه محله‌ها در پیشگیری  |                 |          |
| ۳    | تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی در پیشگیری  |                 |          |
| ۴    | تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیشگیری   |                 |          |
| ۵    | مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم و آسیب‌های اجتماعی |                 |          |



تدبیر شماره (۳-۴-۱):

### تقویت نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری

خانواده می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد عوامل خطر بزهکاری و نیز عوامل حمایت در برابر بزهکاری باشد. اینکه خانواده کدامیک از این دو ویژگی را بیشتر در خود داشته باشد، منوط به شرایط خاص هر خانواده است. از آنجایی که عوامل خطر مرتبط با هر جرم یا کجروی، با جرم یا کجروی دیگر متفاوت است، براین اساس ممکن است خانواده‌ای از حیث یک جرم یا کجروی از عوامل حمایتی در برابر آن باشد، اما در مورد جرم یا کجروی دیگر از عوامل خطر به حساب آید؛ به عنوان مثال، در یک خانواده ممکن است والدین تمام تلاش خود را به تأمین نیازهای مادی فرزندان خانواده معطوف کنند، لیکن به دلیل شدت اشتغال و فعالیت خارج از منزل، از اختصاص زمان برای تربیت صحیح فرزندان خود غافل شوند. طبیعی است که فرزندان این خانواده در برابر بزهکاری‌های مالی کمتر با خطر مواجه می‌شوند، لیکن ممکن است در برابر آسیب‌های اخلاقی و مسائل ناشی از معاشرت با افراد ناسالم، در معرض خطر بیشتری قرار داشته باشند. تجربه نشان داده است که خانواده‌های نابسامان یا آشفته یا در شرف فروپاشی، بستر مناسبی برای رشد و سرایت عوامل خطر به اعضای خود هستند. خانواده‌های دارای خرده‌فرهنگ بزهکارانه یا آشوب‌زده یا خانواده‌های برخوردار از سوابق جرم یا کجروی یا خانواده‌هایی که پرخاشگری در آنها نهادینه شده است، منبعی از عوامل خطر هستند که بیش از همه کودکان و اعضای این خانواده‌ها به طور مستمر از آنان تأثیر می‌پذیرند. مصرف مواد مخدر یا شرب خمر والدین یا فرزندان بزرگتر خانواده، بی‌مبالاتی سرپرست خانواده نسبت به تأمین نیازهای اعضای خانواده، طلاق واقعی یا عاطفی میان زوجین و موارد دیگری از این قبیل، از عمده‌ترین شاخص‌های تشخیص خانواده‌های پرخطر به‌شمار می‌روند. هر چند که جدا کردن فرد از خانواده و حتی حمایت از وی در برابر عوامل خطر ناشی از خانواده، عملاً



بسیار دشوار است، با این وجود می‌توان با راهکارهایی مانند هشدار به والدین یا سلب سرپرستی کودکان از والدین فاقد صلاحیت و همچنین نظارت بر عملکرد والدین، مانع در تأثیرگذاری عوامل خطر شد.

خانواده به‌رغم تولید برخی از عوامل خطر، توانایی ایجاد عوامل حمایتی زیادی در برابر جرم و آسیب را نیز داراست. چتر حمایتی خانواده در جوامع سنتی و ملل پایبند به خانواده، یکی از قوی‌ترین موانع در برابر خطر جرم یا کجروی به‌شمار می‌رود. خانواده‌های منسجم و متحد پشتیبانی‌های مادی و معنوی زیادی را از اعضای خود به‌عمل می‌آورند. تأمین نیازهای مالی اعضای خانواده توسط سایرین (به‌خصوص بزرگترهای خانواده)، محرک‌های مادی برای بزهکاری را از بین می‌برد؛ ارائه کمک فکری و مشورتی از سوی بزرگترها و اعضای بصیر خانواده به جوانان و افراد کم‌تجربه خانواده، آنان را در حل منطقی مسائل و مشکلات و اجتناب از ستیزه‌یاری می‌دهد؛ حمایت‌های عاطفی از یکدیگر، از بسیاری از آسیب‌های اخلاقی و رفتاری جلوگیری می‌کند؛ ارائه پناه و پناهگاه برای گذران روزهای بحرانی و بی‌پناهی اعضای خانواده، آنها را از پناه بردن به دوستان و معاشرین و در نتیجه از ارتکاب بزهکاری یا بزه‌دیدگی یا تکرار آنها بازداشته و آنها را در برون‌رفت از بحران و گرفتاری یاری می‌دهد، کاهش یا توزیع ضربه ناشی از جرم یا آسیب، از گسترش آثار نامطلوب آنها پیشگیری می‌کند. تدابیر مذکور از جمله مصادیق مداخلات حمایتی خانواده به‌شمار می‌روند. نکته مهم این است که انجام این تدابیر باید از مجرای خانواده‌ها صورت گیرد و طراحان و مجریان برنامه‌ها باید مشارکت و معاضدت خانواده‌ها در اجرای برنامه‌ها را مدنظر قرار دهند. این امر از سویی از تضعیف موضع خانواده جلوگیری می‌کند و از سویی دیگر، از طریق هم‌افزایی، اثربخشی برنامه‌ها را موجب می‌شود.

نخستین تمرین‌های جامعه‌گرایی در خانواده صورت می‌گیرد. خانواده



می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان فرد و جامعه عمل کند. در واقع، خانواده افراد را آماده جذب در جامعه می‌کند. نهایت هم‌نوایی با هنجارهای جامعه در کسانی اتفاق می‌افتد که از اوان کودکی و در خانواده به درک صحیحی از تعامل با دیگران نایل شده باشند. تقویت مشارکت در برنامه‌های گروهی و کار تیمی و بالا بردن حس تعلق به گروه و تلاش برای نیل به اهداف جمعی، از مهم‌ترین آموزه‌های خانواده‌ها به اعضای خود است. بر عکس، در خانواده‌های جامعه‌ستیز، کودکان نیز از همان ابتدا با تمایلات تخطی از ارزش‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های گروهی آشنا می‌شوند. ترجیح تمایلات فردی بر اهداف گروهی، استفاده ابزاری از جمع برای رسیدن به اهداف شخصی و جامعه‌گرایی مشروط، از آموزه‌های این خانواده‌ها به اعضای خود به‌شمار می‌روند. تجربه نشان داده است که خانواده نقش تبیین و تشریح و تلطیف و حتی تثبیت هنجارهای اجتماعی برای اعضای خود را برعهده دارد. درخصوص جرم و کجروی نیز خانواده به‌عنوان یکی از مصادیق هنجارشکنی، نقش‌های پیش‌گفته را ایفا می‌کند. در صورتی که نهاد خانواده در عمل نتواند نقش مهمی در برقراری تعاملات حمایتی بین فرد و جامعه ایفا کند، می‌توان با انجام برخی برنامه‌ها، خانواده‌های ناکارآمد را به سوی کارآمدی سوق داد. اجرای برنامه‌های مهارت‌افزایی برای والدین، برگزاری کارگاه‌های حل‌مسئله برای اعضای خانواده و اقدامات دیگری از این قبیل، راه‌هایی برای بهترکردن نقش خانواده‌ها است.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده، راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری، باید در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۱ جدول شماره (۳-۴) درج شود.

تدبیر شماره (۳-۴-۲):

## تقویت نقش و جایگاه محله‌ها در پیشگیری

متأسفانه با تغییر الگوهای مسکن و شهرسازی، غلبه مسافرت‌های سواره بر پیاده‌روی و رابطه روزمره با همسایه‌ها و نیز گذراندن اوقات فراغت در منزل یا مسافرت، نقش محله در شئون زندگی مردم و از جمله کنترل جرم و کجروی به شدت کاهش پیدا کرده است. این درحالی است که تا مدتی پیش، در کشور ما، محله کانون توجه و دلبستگی بوده است. محله صرفاً یک اقامتگاه و آدرس پستی نبوده بلکه فرهنگ‌ساز و هویت‌بخش نیز بوده است. محله به‌عنوان اولین حلقه از جامعه فراخانواده، نقشی حمایتی و تربیتی داشته است. اوقات فراغت و مراسم‌های جشن و عزای اهالی محل در کنار هم سپری می‌شد و خشت‌های اول ساختمان جامعه‌پذیری در محله بنا می‌شد. عمق دلبستگی به محله‌ها به اندازه‌ای بود که نسل‌های یک خانواده به طور متوالی در یک محله زندگی می‌کردند. ازدواج‌ها بیشتر درون‌محله‌ای بودند و اهالی محل در حکم یک خانواده بسیار بزرگ بودند. بنابراین جرائم و انحراف‌هایی که در سطح محله انجام می‌شدند به شدت با واکنش عمومی اهالی محل مواجه می‌شد. به‌عنوان مثال ایجاد مزاحمت برای نوامیس، واکنش شدید اهالی را به دنبال داشت. جیب‌برها و سارقان فراری تا قبل از دستگیری توسط مردم تعقیب می‌شدند، افراد زورگو و متجاوز با توجه به هراسی که از عیاران محله و شجاعان داشتند، جرأت ظلم به افراد ضعیف را نداشتند و محله یک فضای حمایتی مناسب در برابر جرم و ناامنی به‌شمار می‌رفت. اما درحال حاضر کمرنگ‌شدن هویت و حدود محله‌ها (به‌خصوص در کلان‌شهرها)، گسترش ضریب نفوذ فضای مجازی و عدم معرفی فضاهای شهری جایگزین محله، موجب حذف روابط عاطفی سنتی در محله‌ها شده است، بدون اینکه این مفاهیم نوظهور کارآمدی لازم را به‌همراه داشته باشند. از آنجا که ظرف مکانی جرائم و آسیب‌ها، محیط





واقعی زندگی اجتماعی است، براین اساس، احیای مفهوم محله و تقویت نقش محله‌ها و بدل‌های نوسامان آنها، می‌تواند بسیار سودمند باشد.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت نقش و جایگاه محله‌ها در پیشگیری، در دو بخش کوتاه مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۲ جدول شماره (۳-۴) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۴-۳):

#### تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی در پیشگیری

از دیرباز نهادهای مذهبی نقش فعالی را در مداخلات پیشگیرانه ایفا کرده‌اند. در کشور ما، بسیاری از این نقش‌آفرینی‌ها دارای قدمتی چندقرنی بوده و در طول تاریخ به‌عنوان مراسم و رویه‌های دینی و آیینی با جسم و جان و دل مردم سرشته شده است. مساجد و حسینیه‌ها از دیرباز محل تجمع اهالی محله‌ها بوده و با ترویج فرهنگ ایمان و خداترسی، ایثار و شهادت در شکل‌دهی به رفتارهای فردی و گروهی پیشتاز بوده است. تکایا و هیئت‌های مذهبی و همچنین رسوم و مناسک مذهبی مانند زیارت اماکن متبرکه، زیارت اهل قبور و...، سهم قابل‌توجهی از برنامه‌های روزمره مردم را به خود اختصاص می‌دادند. اکنون در جریان جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، دشمنان تلاش دارند تا نقش و کارکرد نهادهای مذهبی را از زندگی مردم حذف و یا بسیار محدود نمایند. دین‌باوری و حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه و کاهش کجروی، ناهنجاری و جرائم در جامعه، مستلزم تعریف مجدد نقش نهادهای مذهبی با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و واگذاری نقش بیشتر به این نهادها است و بدون تردید اقدامات و ابتکارات علماء، وعاظ و ائمه جمعه و جماعات در این خصوص باید مورد توجه و عمل قرار گیرد.



نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت نقش و جایگاه نهادهای مذهبی در پیشگیری، در دو بخش کوتاه مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۳ جدول شماره (۳-۴) درج شود.

#### تدبیر شماره (۳-۴-۴):

#### تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیشگیری

نهادهای آموزشی نقش بی بدیلی در شکل دهی به شخصیت افراد دارند. مهدکودکها و مدارس از همان اوان کودکی مفاهیم والایی مانند نظم، صحت عمل، راستگویی، اخلاق نیکو و تعلق به گروه را به دانش آموزان القا می کنند و در عمق باورهای آنان می گنجانند. این نهادها در کنار آموزش باید بر تزکیه و اصلاح نفس دانش آموزان تمرکز داشته باشند. با توجه به وقت زیادی که دانش آموزان در مدرسه سپری می کنند، این نهاد می تواند نقش بسزایی در شکل گیری شخصیت آنان ایجاد کند. در دوران دبیرستان و تحصیلات تکمیلی نیز عمده مهارت های فردی و گروهی پیشگیرانه از جرم، باید از طریق همین نهادها به دانشجویان منتقل شود. اردوهای فرهنگی، تفریحی و تربیتی و تشکیل کارگروه های علمی- پژوهشی برای واکاوی و علاج جرائم و کجروی ها، از ابتکارات جوانان مستعد دانشگاه ها، از راهکارهای مبتنی بر این تدبیر به شمار می روند.

نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر تقویت نقش و جایگاه نهادهای آموزشی در پیشگیری، در دو بخش کوتاه مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۴ جدول شماره



(۳-۴) درج شود.

تدبیر شماره (۳-۴-۵):

### مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم و آسیب‌های اجتماعی

تولیدات و فرآورده‌های فرهنگی از تأثیرگذاری بسیار بالایی در شکل‌دهی و پرورش نگرش، اعتقادات و رفتار افراد جامعه برخوردار است. بسیاری از هنجارسازی‌ها و هنجارشکنی‌ها از این طریق صورت می‌گیرد. امروزه با توجه به گستردگی رسانه‌ها، فرآورده‌های فرهنگی به سرعت در سطح جامعه گسترده شده و طیف‌های گوناگونی از افراد را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. با عنایت به این موضوع، اهمیت روزافزون مدیریت بر فرآیند فعالیت‌های فرهنگی و محصولات حاصل از این فعالیت‌ها آشکار می‌شود. سپردن فعالیت‌های فرهنگی به افراد منحرف یا فاقد صلاحیت فکری و اخلاقی و یا بی‌تفاوتی نسبت به رویکردهای بازیگران این عرصه، نگرش‌ها و تفکراتی را در سطح جامعه ترویج می‌کند که نوعاً زمینه‌ساز بروز جرم یا کنجروی در جامعه می‌باشند. میل به تجمل‌گرایی، نفی عفاف و حجاب، تمسخر قیود خانوادگی، ترویج طلاق و بی‌بندوباری، توهین به مقدسات و وهن آنها و... همگی از طریق فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی صورت می‌پذیرند. امروزه در تمام جوامع بر مراکز تهیه غذا نظارت و کنترل شدید وجود دارد و استانداردهای مختلفی برای کنترل کیفیت آنها در نظر گرفته شده و تولید و توزیع و فروش و ورود و خروج آنها تحت کنترل مراکز نظارتی است. اما با کمال تأسف باید گفت چنین حساسیت و نظارتی در مورد تولیدات و خوراک فرهنگی جامعه وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد تمام فرآیندهایی که در زمینه بهداشت جسمی و پیشگیری از بیماری‌ها به‌طور منطقی صورت می‌پذیرد، درخصوص بهداشت فرهنگی جامعه



نیز باید وضع شده و مورد عمل قرار دهیم تا محصولات آنها برای جامعه اسلامی مفید واقع شود و حرکت مردم به سوی تعالی را پرشتاب‌تر کنند. نکته مهم: با توجه به تدبیر کلی ذکر شده باید راهکارهای عملی مبتنی بر مدیریت و نظارت بر اماکن، فعالیت‌ها و فرآورده‌های فرهنگی مؤثر بر جرم و آسیب‌های اجتماعی، در دو بخش کوتاه‌مدت (بازدهی در طول یک تا سه سال) و میان‌مدت (بازدهی در طول سه تا پنج سال)، شناسایی و در ردیف ۵ جدول شماره (۳-۴) درج شود.